

دوره ششم تقنینیه

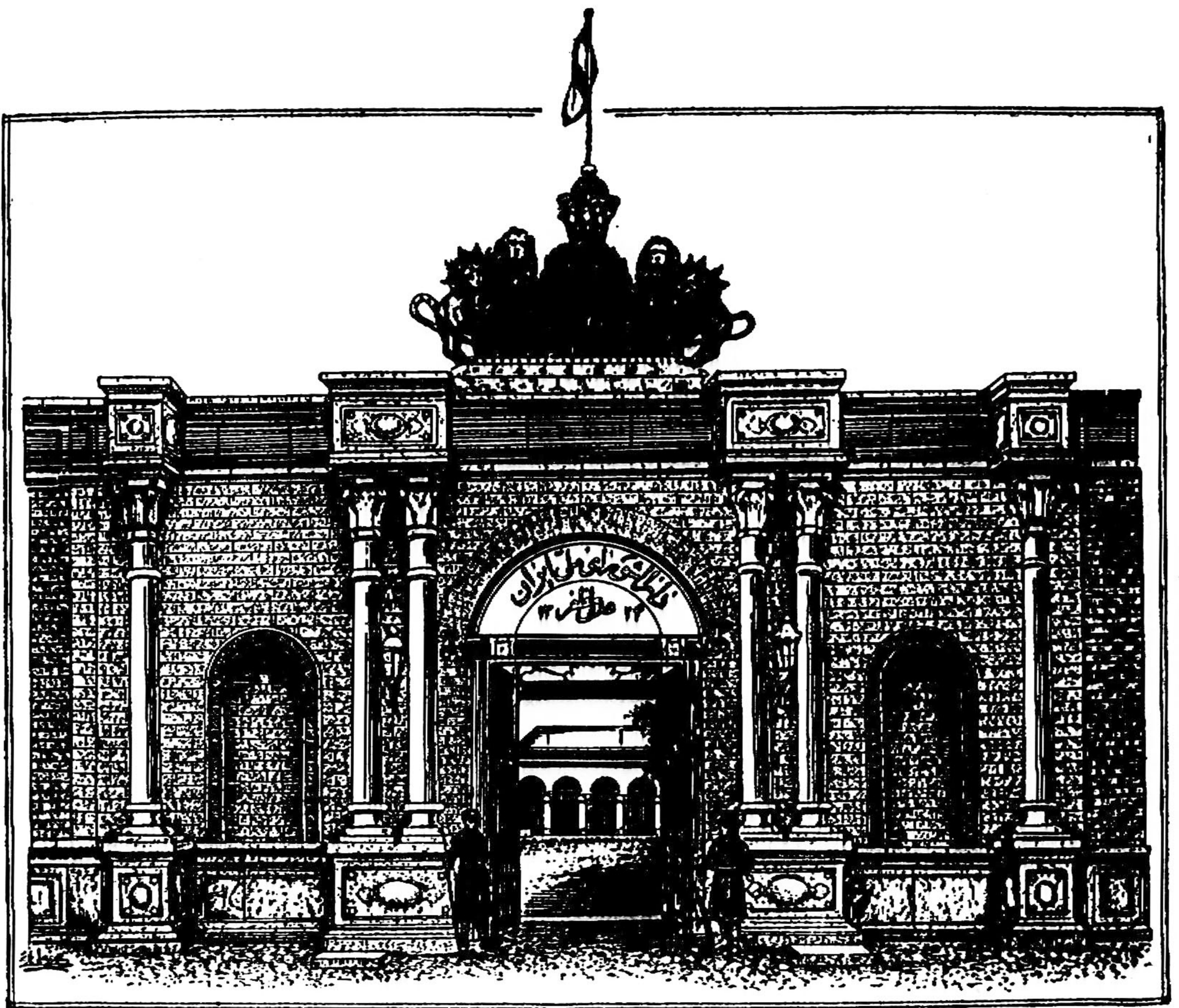
<p>جلسه ۲۶۳</p>	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	<p>شماره ۲۲۸</p>
<p>تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه يك شنبه ۲۴ تیر ماه ۱۳۰۷ مطابق ۲۷ محرم ۱۳۴۷</p>	<p>مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کتبه مذاکرات در يك شماره منتشر میشود. مطبعة مجلس</p>	<p>قیمت اشتراك داخله ایران سالانه ده تومان خارج ۱۰ دوازده تومان قیمت تک شماره یک قرآن</p>



# فهرست مندرجات

الی صفحه	از صفحه	عنوان
۴۷۶۵	۴۷۶۴	مربوب مرخصی آقایان فرعی و عدلی و حیدری
۴۷۹۳	۴۷۶۶	تاریخ مواد و مذاکرات در اطراف خبر کپسولون راجع به انحصار نریاک





# مذاکرات مجلس

## دوره ششم تقنینیه

صورت مشروح مجلس يك شنبه ۲۴ تير ماه ۱۳۰۷ مطابق ۲۷ محرم ۱۳۴۷

### جلسه ۲۶۳

رئیس - صورت مجلس ابرادی دارد با آنه ( گفته شد خبر )	( مجلس دو ساعت و سه ربع قبل از ظهر ریاست آقای پیرنیدانشکیل گردید )
رئیس - صورت مجلس اصولب شد . چند فقره خبر مرخصی است	( صورت مجلس پنجشنبه ۲۱ تير ماه را آقای دولتشاهی قرائت نمودند )



( بشرح ذیل خوانده شد )

مرخصی آقای فرشی :

نماینده محترم آقای فرشی برای ساختمان مدرسه در قریه دیزج آذربایجان بنام خدمت معارف از بیستم اردی بهشت دو ماه تقاضای مرخصی نموده اند. کمیسیون چون همیشه طرفدار توسعه معارف و این قبیل خدمات را قابل تقدیر میداند لذا با تقاضای ایشان موافق اینک خبر آرا تقدیم می‌نماید

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده يك اصلی را که اصل مساوات و عدالت است میخواهم بقدری که میشود توجه بدهم بمعقیده خود نه اینکه خدای نخواستہ بگویم اکثر این توجه را ندارند ولی خواستم این را عرض کنم که این رعایت بشود. آقای فرشی یکی از وکلای خوبی هستند لکن نگاه کنیده به مرخصی های ایشان سه ماه مرخصی گرفته اند بعد پنج ماه دیگر حالا هم رفته است بحمدالله موفق هم شده است نماینده هم شده است. حالا که نماینده شده است يك پولی هم بدهد. بنده عرض میکنم پررور شاهزاده غلامحسین میرزا مرخصی خواسته بود بنده مخالف بودم مجلس رأی نداد شاهزاده محمدولی میرزا مرخصی خواسته بود با اینکه حقوق خودش را واگذار کرده بود به دارالتربیه تبریز که خیلی هم منافع برای ما داشت رأی داده نشد. آقای فرشی هفت هشت ماه اجازه خواسته است بنده خواستم که آنها در بحث يك میزانی تساوی درش ملاحظه شود از این جهت بنده مخالفم که در ظرف دو سال بیکنفر ده ماه اجازه مرخصی داده شود. پس يك دفعه باصطلاح جدیدی ها يك اجازه مطلق بگیرند مثل اداره ثبت اسناد شنیدم همین ترتیب است صبح می آیند امضا میکنند میروند باز فردا می آیند امضا میکنند میروند مواجب هم میگیرند اینجا هم همین ترتیب را بکنند این است که بنده جداً مخالف هستم.

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - بنده با آن اصلی که آقا فرمودند موافقم يك طرحی با يك پیشنهادی تهیه کنند که يك قدری این کار منظم شده لکن تا زمانی که این طرح از مجلس نگذشته است عرض میکنم مجلس باید نظر گرفتن وضعیت زندگانی افراد وکلا البته نهیاً و اثباتاً بر طبق عقیده که دارد اظهار رأی خواهد کرد. اینجا است که اختلاف پیدا میشود بواسطه اینکه افراد بجمع جهات یا بجهاتی با هم اختلاف دارند. آقای فرشی يك آدم صالح و صحیحی است هیچوقت از اوقات هم در نظر ندارند که بخواهند يك حقوقی بگیرند یا در مقابلش خدمتی انجام ندهند بنده عقیده ام این است که غیبت آقای فرشی نفعتش از نقطه نظر وکالت بیشتر باشد تا حضورش ( عدل - صحیح است ) و در اینجا هم اگر دقت بفرمایند تصدیق عرض بنده را خواهند کرد پیش از اینهم توضیح میدهم

رئیس - رأی میگیریم به مرخصی آقای فرشی آقایانیکه

تصویب میکنند قیام فرمایند

( اکثر بر خاستند )

رئیس - تصویب شد.

خبر مرخصی آقای عدل :

نماینده محترم آقای عدل بواسطه سرکشی با مورات شخصی از تاریخ سوم خرداد چهل روز تقاضای مرخصی کرده اند کمیسیون با تقاضای ایشان موافق اینک خبر آرا تقدیم می نماید

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده باز هم عرض خودم را تکرار میکنم. آقای کازرونی با پانزده روز مرخصی شاهزاده غلامحسین میرزا مخالفت میکرد و آوقت با هشتم مرخصی آقای فرشی موافقت میکند حالا مسئله نیست این عقیده است. آروز هم عقیده اش مخالف بود رفت بیرون گفت عقیده من موافق است. گفت: در تناقض هشت وحدت شرط دان. بکیش وحدت محل است. دیگر اینچنین تناقض هم من ندیده بودم و عقیده نداشتم که عقیده پیدا کردم. در اینجا هم آقای قائم مقام شریف بردند برای

انتخاباتشان انتخاب هم شدند و بر گشتند میگویند برای سرکشی املاکشان. مگر مجلس برای سرکشی املاک هم باید حقوق بدهد مجلس که که خدا نیست آقا جان این يك چیزهای غریبی است. خوبست خود آقای عدل يك نقدی بکنند و عدالت بکنند و جواب بدهند که دیگر آقای کازرونی دفاع نکنند

رئیس - آقای فیروز آبادی هم مخالفند

فیروز آبادی - بلی

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - عرض کنم اجازه که داده شده است از طرف کمیسیون راجع به آقای عدل بنده از مقام عدالتخواهی آقای آقا سید یعقوب تقاضا میکنم همین دلیل که الان مجلس درباره آقای فرشی رأی داد برای آقای عدل هم باید رأی بدهد و دلیل ندارد که بخواند مال ایشان را بکنند.

رئیس - آقایانیکه این خبر را تصویب میکنند قیام

فرمایند

( اکثر قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد.

مرخصی آقای حیدری :

نماینده محترم آقای حیدری از اول تیر ماه ۲۱ روز اجازه مرخصی را تقاضا و بر طبق تقاضا نامه خود تذکراتی از مقامات مربوطه برای رسیدگی با و در محلی منظم کمیسیون با نظریه ایشان موافق اینک خبر آرا تقدیم می نماید

رئیس - آقای دهستانی

دهستانی - موافقم

رئیس - آقای رفیع

رفیع - عرضی ندارم

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده در صورتیکه میدانم آقای حیدری تشریف بردند آنچه يك خدماتی هم به حوزه اینجاست خودشان کرده اند مسوق هستم ولی چون با کلیه مرخصی ها چه مرخصی قبلی و چه مرخصی بعدی تمایز مخالفم و عقیده دارم کسی که وکیل شد از آروزی که

می آید در مجلس باید تا آن روز آخرش کار بکنند و اگر چنانچه نخواست باید از حقوق خود صرف نظر بکنند و عقیده ام این است و فرقی بین دوستان و غیر دوستان خودم نمیگذارم از این جهت مخالف هستم.

رئیس - آقای زوار

زوار - چون نماینده محترم يك قسمت از خدمات آقای حیدری را تصدیق کردند کمیسیون هم از همین نظر این خبر را تقدیم کرده استدعا میکنم که امر روزی را فدای آن روزی نکنند.

رئیس - آقایانیکه این خبر را تصویب میکنند قیام فرمایند.

( اکثر بر خاستند )

رئیس - تصویب شد.

وزیر مالیه - يك فقره لایحه است راجع به تصفیه حساب عوارض بندری خاطر آقایان مستحضر است قانونی در این باب گذشت ولی در چند روز قبل از اینکه این قانون بگذرد این عوارض در آنجا دریافت شده است برای اینکه این دریافت قانونی باشد يك ماده واحده عرض شده است. يك ماده واحده هم هست راجع به يك نفر مستخدم گمرک که مقتول شده است ورثه او باید حقوق بگیرند. يك تقاضای اعتباری است برای خرید يك قایق بخاری در دریای خزر از محل همان صدی سه انحصاری که تخصیص بخارج وصول عوائد انحصار داده شده است

کفیل وزارت امور خارجه - عهد نامه ایران و ترکیه. برنگل منضمه به عهدنامه ایران و افغانستان. قرار داد موقتی باچک و اسلواکیا. قرار داد موقتی باطربش را تقدیم میکنم

( دو فقره پیشنهاد راجع به دستور بشرح ذیل قرائت شد )

پیشنهاد آقای فیروز آبادی

بنده پیشنهاد میکنم که لایحه خط آهن بین محمره و عبادان در ابتدای جلسه امروز جزء دستور شود



پیشنهاد آقای تقی زاده :

اینجانب پیشنهاد میکنم که امروز قبل از سایر مطالب به چند فقره شهریه که با قیام و قعود رای گرفته شده رو بهمرفته با ورقه رای گرفته شود

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - عرض میشود همه ماها عقیده مان این است که خط آهن در مملکت وارد شود عقیده حالا این شده است یعنی غالب و اکثر بک نفری هم پیدا شده است میخواهد سه چهار فرسخ با پول خودش و سرمایه خودش خط آهن بکشد قریب یکسال هم هست که در کمیسیون و مجلس آمده است دو شور آنهم تمام شده عمل آن هم تمام شده است فقط رأی آخر آن مانده است این نه معطلی دارد نه چیزی: برای تشویق و برای اینکه سه چهار فرسخ خط آهن در مملکت کشیده شود بدون بکشاهی ضرر برای این مملکت بنده پیشنهاد کردم که رأی آخری که يك دقیقه وقت لازم دارد داده شود بعد آقایان مشغول کار خودشان بشوند

رئیس - آقای تقی زاده

تقی زاده - بنده توضیح مفصلي ندارم. چند فقره که با قیام و قعود رأی گرفته شده اینها اغلب حقوقهائی است که برای زنهای بیوه ده تومان و بازده تومان است معطل مانده برای بعضی لواج دیگری که میخواست ضمیمه بشود آنهم در موقع خودش باید طرح شود این تمام کارش تمام شده و چون بعضی از اینها نهایت استحقاق و استیصال را دارند بنده نمی می کنم از آقایان که با ورقه رأی بدهند بان چند فقره که با قیام و قعود رأی گرفته شده است رای داده شود که عملش تمام شود و خیلی بتأخیر بیفتد.

رئیس - آقای روحی

روحی - عرض کنم بنده با این دو پیشنهاد هر دو مخالفم. اولاً در جلسه گذشته يك رأی باقی ماند برای شور در مواد قانون انحصار که این قانون از لحاظ اقتصادی این مملکت ریحان دارد بر هزار قانونی که از این قبیل بگذرد

شد ولی چون عده کافی نبود رأیش ماند برای این جلسه. رای گرفته میشود بکفایت مذاکرات آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

( عده زیادی برخاستند )

رئیس - تصویب شد آقایانیکه ورود در شور مواد را تصویب میکنند قیام فرمایند

( اکثر برخاستند )

رئیس - تصویب شد. ماده اول قرائت میشود

( بشرح ذیل قرائت شد )

ماده ۱ - از تاریخ تصویب این قانون کلیه معاملات و نگاهداری کردن و نیاری کردن و حمل و نقل و صدور تریاک و شیره و چونه اعم از مصرف داخلی یا خارجی منحصر ببدولت است و این انحصار موسوم بانحصار دولتی تریاک خواهد بود

رئیس - آقای دشتی

دشتی - بعقیده بنده دولت در تقدیم این لایحه به مجلس يك اشتباه بزرگی کرده است و تصور میکنم که این بزرگترین اشتباهانی است که بعد از شش ماه بر خودشان واضح شود همانطوریکه راجع براه آهن بعد از یکسال بر خودشان واضح شد و بعد از آنکه تقریباً دوست سصد هزار تومان خرج کردند ملتمس شدند و لایحه را آوردند و خودشان اعتراف کردند باینکه اشتباه کرده اند و بعدوا گذاریم کپانی کردند. علت این اشتباه بزرگی که کرده اند این است که تصور کرده اند که تقریباً چهار پنج میلیون از باب انحصار تریاک عاید دولت میشود و به خزانه دولت وارد میشود. البته ما مخالف نیستیم که عایدات دولت روز بروز زیاد تر بشود و خزانه دولت معمور بشود و الان هم در دنیا هیچ دولتی نیست که ناچاره ابرام کم مالیات بگیرد یعنی مالیاتی که امروز به خزانه دولت می آید کمترین مالیاتها است که ممکن است تصور کرد ولی همیشه باید مالیات و عوائد دولت را با عوائد عمومی مملکت مقایسه کرد. يك مملکتی که سر ناسرش فقر و بدبختی و پریشانی است و مردم هم عایداتی ندارند این مالیات فعلی

سنگین ترين مالیاتی است که ملت ایران میدهد برای اینکه در مقابلش عایدت ندارند. البته بنده تصدیق می کنم که مالیات دولت خیلی کم است یعنی عوائد دولت و بودجه دولت خیلی کوچک و محقر است ولی در مقابل آن عوائد عمومی مملکت هم خیلی محقر است رفوق العاده کم است یعنی مردم در تمام اکناف و اطراف از کاسب و تاجر و غیره همه فقیر و بدبختند همه بی بضاعت هستند و به چوچه در این مملکت تولید ثروت نمیشود و از این لحاظ بنده تصور میکنم که مالیاتی که روی اساس عوائد عمومی نباشد اصلاً مالیات غلطی است مثل اینکه فرض کنید دولت بگوید چرا منافعی که چند نفر تاجر قلی از قلی میبرند دولت نبرد. دولت ممکن است در سال ده ملیون دوازده ملیون از باب تجارت قالی فایده ببرد پس بنا بر این تجارت قالی را در خارجه منحصر بخودش بکنند این يك اصل غلطی است که کما نمیکند بشود با آن زانگی کرد مگر اینکه سیستم مملکت را يك طرز دیگری کرد مثلاً يك سیستم سوسیالیستی بشود و بالاخره تمام افراد مستخدم دولت بشوند و در عین حال از برای دولت کار بکنند و دولت هم منافع خودش را بین آنها تقسیم کند. اگر اینطور شد يك فرضی است و الا تا این ترتیب نشده است با این وضعیت اگر دولت نقطه اتکاء خودش را فقط از دیاد عوائد بخواهد قرار دهد و مالیات وضع کند و تجارت را بخودش منحصر کند بعقیده من کار غلطی است. این لایحه يك فایده دارد و دو ضرر فایده مهمی که میشود ازش تصور کرد همین است که دولت چهار پنج میلیون به خزانه خودش وارد کند و این را همانطور که عرض کردم اسمش را نمیشود فایده گذاشت میشود عین این را ضرر تصور کرد زیرا بالاخره منابع ثروت مملکت خشک میشود دولت چند وظیفه دارد در دنیا؟ دولت و حکومت فقط در دنیا برای این تاسیس شده اند که زارع بهتر بتواند زراعت کند صنعت گر بهتر بتواند صنعت کند و تاجر بهتر بتواند تجارت کند و بالاخره تنظیمات را در مملکت

حالا محسنات آنرا اغلب آقایان در عمل مشاهده خواهند کرد پیشنهاد آقای فیروز آبادی اگر صاحبش آقای موقر اینجا بود خودش راضی نبود که قانون انحصار را بگذارند و بان رأی بدهند. اما پیشنهاد آقای تقی زاده بنده تعجب میکنم يك شخص عالی مقامی مثل ایشان که همیشه هم خودشان را برای تعمیم معارف و تشویق مردم به سعی و عمل صرف کرده اند حالا بیایند و طرفدار مفتخوری شهریه در این مملکت بشوند این از آقای تقی زاده با آنچه که بنده بایشان عقیده دارم بعید بود خوبست این قسمت ها را هم بگذارید برای مجلس هفتم که بعضی کارها را باید بکنند و شهریه را مقدم بدارند امروز باید همین قانون انحصار رأی بگیریم و غیر این را بنده مخالفم.

رئیس - رأی میکنیم به پیشنهاد آقای فیروز آبادی آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند ( عده کمی برخاستند )

رئیس - تصویب نشد. آقایانیکه پیشنهاد آقای تقی زاده را تصویب میکنند قیام فرمایند ( اکثر قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد. وزیر مالیه - اجازه می فرمایند؟ بنده این لایحه را مسند میکنم.

رفیع - بنده هم حاضر نیستم در مجلس بنشینم که شهریه بگذارم ( از مجلس خارج شدند ) مدرس - خدا بهر اوست.

( آقایان زوار و آقا سید یعقوب و دو سه نفر دیگر از مجلس خارج شدند ) حاج شیخ بیات - این مخالف قانون است دولت نمیتواند پس بگیرد!

عراقی - چرا نمیتواند پس بگیرد هنوز رأی کلی گرفته نشده!

( همه هم بین نمایندگان - صدای زنگ رئیس ) رئیس - در جلسه گذشته راجع به لایحه تریاک در کفایت مذاکرات آقای تقی زاده مخالف بوده اظهاراتی



طوری بکنند که مردم بتوانند با کمال آزادی به حرفه های آزاد و تولید ثروت مشغول بشوند آنوقت از منافع این ثروتها يك چیزی که با اندازه کافی باشد برای استقرار نظم و امنیت مملکت بگیرد و غیر از این دیگر حکومت هیچ معنی ندارد. صرف اینکه حکومت بخواد پول از مردم بگیرد و تمام تجارت را بخودش منحصر بکند و متکی باشد باینکه خزانه دولت معمور تر خواهد شد این نتیجه اش بعقیده بنده خرابی مملکت است. و اما دو ضرری که بطور حتم مترتب است بر این لایحه: یکی از بین بردن عوائد عمومی مملکت است یعنی مصالح عمومی مملکت در نتیجه اجرای این لایحه قانونی بکلی از بین خواهد رفت علتش هم بر واضح است. نه در مملکت ما در هیچیک از جاهای دنیا دولت نمیتواند تجارت کند. این يك مسئله تقریباً علمی و بدیهی و واضح و مدلل است که در همه جای دنیا اگر دولت بخواد يك کار تجارتي بکند آزا به کمپانی های تجارتي واگذار میکند و از آنها منفعت میگیرد، اما دولت خودش مستقیماً نباید مباشر در های تجارتي باشد این نتیجه ندارد. یعنی مهالك دنیا این مسئله را امتحان کرده اند و تمام از این قسمت ضرر دیده اند. این خیلی بدیهی است که یکنفر مأمور دولت که فرض کنید مباشر امر تجارت خارجی تریاك خواهد شد این با اندازه آب ناجري که میخواهد نفع ببرد یعنی با اندازه آن کسی که نفع و ضرر متوجه خودش میشود این شخص به تجارت و زراعت تریاك توجه نخواهد داشت. آقای وزیر مالیه دبروز میگویند که اولاً پنج شش نفر تاجر بیشتر نیست فقط منحصر به پنج شش نفر است از این جهت چه ضرر دارد که منفعت چند نفر از بین برود و دولت منفعت نکند؟ یکی دیگر اینکه میگفتند تاجر از بازار های دنیا اطلاع ندارند و نمیفهمند چگونه تجارت کنند اینهم يك دلیلشان بود. يك دلیل دیگرشان که بعقیده بنده خیلی قابل خدشه است این بود که میگفتند تنها رقابت روی ارزاق تر فروختن نیست بلکه روی هزار چیز دیگر است. تمام

این دلایلشان بعقیده بنده صحیح نیست. اولاً در مملکت پنج نفر نیست که مشغول کار تریاك است پنجاه هزار نفر است...  
 کازرونی - همه مردم  
 دشتی - از زارع و تاجر همه را که حساب کنید چندین هزار نفر میشود...  
 شیروانی - پنج میلیون  
 دشتی - بقول آقای شیروانی پنج میلیون مدرس - ثم پنج نفر هم باشد چرا؟  
 دشتی - پس پنج نفر نیست و تقریباً صد هزار دوست هزار نفر هستند که مشغول این کارند و ثانیاً بفرض محال که پنج نفرند بالاخره این پنج نفر دارند تولید ثروت میکنند. اولاً این مسئله مستعمرات داری یعنی چه؟ مگر دولت انگلیس که میآید هند را مستعمر میکنند برای اینست که خود دولت میبرد آنجا تجارت میکند! خیر برای چهارنا تاجر است که بروند آنجا تجارت کنند زراعت کنند از جنگل ها و معادن آنها استفاده کنند. اصلاً مستعمره برای پنج شش نفر سرمایه دار است برای اینکه آنها عواید عمومی مملکت را زیاد میکنند و خودشان هم منفعت میبرند. اینکه می فرمودند تاجر ما اطلاع ندارند بعقیده بنده تاجر ما خیلی بهتر از دولت ما اطلاع دارند و اطلاعاتشان مراتب بیشتر است؟ چرا؟ برای اینکه يك تاجری که در بوشهر نشسته با چین و هند و چین و تمام بازارهایی که تریاك در آنجا بفروش میرسد در تماس است عامل دارد در آنجاها و از عامل متصل تلگراف میرسد دولت کجا این اطلاعات را دارد؟ دولت بعقیده بنده هیچ اطلاع ندارد. حالا بر فرض حال که دولت اطلاع داشته باشد اطلاعاتش را بدهد به تاجر ایرانی. ملاحظه فرمائید اصلاً فلسفه تاسیس قونسولخانه برای چیست؟ اصلاً برای کسب و دادن اطلاعات اقتصادی يك مملکتی است در خارجه حالا بیدائید پیرسید از وزارت خارجه و وزارت تجارت که این قونسولهای شما کدام يك از شصت تجارت شما را در خارجه رواج داده اند و به کدام يك از تاجر شما اطلاعات داده اند؟

که فلانچا فلان جنس مرغوب است خوست بفرستید؟ کجا چنین اطلاعی داده اند؟ غیر از اینکه دوا بر دولتی يك فرمالیته بازبهای بی روحی شده است. تصور میکنم انحصار تریاك هم همین حال را پیدا خواهد کرد. اینکه فرموده اند تنها راه رقابت در دنیا ارزان تر فروختن نیست بکلی اشتباه است اساس رقابت اقتصادیات در دنیا روی ارزان تر فروختن است، تنها همین است و اصلاً غیر از این هیچ چیز نیست هر کار خانها که بتواند مصنوعات خودش را يك قران ارزان تر بفروشد در بازار دنیا البته پیشرفت میکند اما البته با تساوی شرایط هر تاجری که بتواند با تساوی شرایط مال التجاره خودش را دهشاهی ارزان تر بفروشد البته پیشرفت خواهد کرد. انحصار در وقتی مفید است یعنی نگاه داشتن يك مال التجاره و فروختن در صورتی مفید است که رقبت نباشد. ما اگر مطمئن بودیم که در هندوستان تریاك نمیکارند در ترکیه تریاك نمیکارند تریاكشان به بازار های ما نمی آید البته ضرر نداشت که ما بگوئیم چون دولت مان ثروتش بیشتر از تاجر است تریاك را نگاه می داریم تا بقیمت گرانتر بفروشیم اما حرف این است که در مقابل ما آنها هستند و اگر ما نتوانیم تریاك خود مان را به بازار های دنیا ببریم آنها حتماً پیشرفت خواهند کرد. پس بنا بر این اینرا نمیشود گفت که ارزاق تر فروختن چه اهمیت دارد. خیر آقا خیلی اهمیت دارد و در درجه اول اهمیت است و اساس تجارت دنیا روی ارزاق تر فروختن است و این يك ضرری است که بعقیده بنده اگر دولت دست باین کار بزند به عموم وارد میشود. ما هم اهل این مملکت هستیم از امریکا نیامده ایم ادارات دولتی را خوب می شناسیم از جزایان ها هم اطلاع داریم مخصوصاً با این شرایطی که میخواهند بگذارند مثلاً زراع قبلاً برود استجاره بکنند از اداره انحصار که آیا چند جریب تریاك بکارد نتیجه این میشود که دو ماه سه ماه بعد يك جواب فرمالیته برایش بیاید که دو جریب و دو کره و نیم بروید تریاك بکارید...  
 شیروانی - بعد از بدست آمدن محصول.

دشتی - ما خودمان نماشا کرده ایم، ما خودمان دچاریم. يك کسی نقل میکرد برای من که آمده بودند از آسیاب من مالیات بگیرند و من نبودم آدم من نقاضا کرده بود که صبر کنید تا فلان کس بیاید يك هفته دیگر می آید گفته که خبر يك هفته دیگر صبر نمی کنیم بالاخره آدم من کاغذی مالیه نوشته بود که مهلت بدهید بعد از دوماه که من آمده بودم و پول را هم داده بودیم از مالیه جواب آمده بود که مالیات برداشته میشود. خود ما غالباً دچار این جوابها هستیم. پس فردا آقا زراعت تریاك گرفتار این میشود. شوخی نیست اینها! زراعت تریاك است اگر ده روز عقب افتاد بکلی از بین میرود با این فرمالیته ها چطور میشود ما مطمئن باشیم که این زراعت تریاك بهمین ترتیب که هست دوام پیدا کند علاوه بر این وقتی که اختیار با دولت است که هر زرخ را که میخواهد معین میکند ممکن است پس فردا برای زارع صرف نکنند که باین زرخ بفروشد خوب در اینصورت زراعت تریاك ممکن است از بین برود...  
 عمادی - آقا برای اینکار يك ماده دارد

دشتی - بله آقای عمادی اینها فرمالیته است. در طرز عمل ملاحظه خواهید کرد که چطور خواهد شد. الان قوانین صربختان عمل نمیشود چه رسد باینکه يك چیزی باشد که طرف زارع باشد. زارع اصفهان و شیراز و غیره جرأت دارند با دولت مدعی بشوند که شما فلان روز اجازه ندادید؟ یا اینکه زرخ اینطور است؟ پس این بعقیده بنده یکی از مضرات آن است که عابدی عمومی مملکت را بکلی از بین میبرد. یکی هم اینکه بیکمده از مردم ضرر وارد میآورد بیکمده مردم که مشغول کار و کسب و تجارتند شما بچه حق و مطابق چه حقی میخواهید کار و کسب آنها را ازشان بگیرید؟! بالاخره در مملکتی که هیچ کار نیست و مردم متصل از دست بیگاری فریاد دارند و می بینیم همه روزه دسته دسته هجوم میآورند به ادارات دولتی و میخواهند مستخدم بشوند بالاخره شما چهار نفر تاجر هم که دارید چهار نفر کاسب و چهار



نفر تریاک کار هم که دارید میخواهید بگوئید اینها هم بیابند مستخدم دولت بشوند! این قسمت هم ضرر خصوصیت است که افراد را در این مملکتی که کسب و کار نیست از کسب و کار خودشان باز میدارید برای اینکه میخواهید تریاک را بخورد نان منحصر کنید. و البته در خود لایحه در خیلی از موادش میشود ایراد گرفت در اغلب موادش مثل استجازه و تعیین نرخ بالظرف اهل خیره. و يك مسئله خطرناك ز و مهمتر از همه این است که بنده در روز کاغذی دایم از چند نفر نجار بوشهر نوشته بودند که معاملات تریاک يك چیز نیست که ما امروز بکنیم برای فردا. ما برای ۱۹۲۹ هم مبالغی تریاک خریده ایم و فروخته ایم و هم سند داده ایم هم سند گرفته ایم در صورتیکه اینجا مدتش را پانزده روز قرار داده اند بعضی از نجار بوشهر الان سبصد چهار صد هزار تومان معامله تریاک کرده اند فردا نتیجه این میشود که چند تا تاجر در جه اول بوشهر هم ورشکست میشوند بواسطه شیوع قاچاق متصل در لنگه و بندر عباس و بوشهر تاجر ورشکست شده است و بواسطه این لایحه چهار پنج نفر تاجر درجه اول هم که داریم که در سالی تقریباً شش هفت میلیون صادرات مملکت شمارا میفروشند بکلی ورشکست میشوند. باید انقلاب فکری برای مدت کرد. اینها نوشته بودند که انقلاب دو سال یا سه سال به مامهلت بدهید که ما بتوانیم خودمان را از این معاملات فارغ کنیم برای اینکه هر کدام سبصد هزار تومان چهار صد هزار تومان آورده شده ایم. در خانه عرایض فقط می خواهم این نکته را عرض کنم که ما بین ما دولت البته نقاضی نیست. بنده خیال میکنم که دولت اشتباه کرده است در آوردن این لایحه خوبست اینجا گوش به ادله مخالفین بدهند و غرضشان این نباشد که بخواهند يك مخالفت بکنند و آنها را امتناع کنند. ما همه مان در يك قضیه مشورت کنیم و ببینیم که صلاح مملکت هست یا نه و باید از روی بیطرفی مطالعه کنیم ببینیم اگر اینها دلایلی دارند که آن را به منفعت مملکت تشخیص

میدهند ما البته حاضریم قبول کنیم. اینکه گفتند برای حفظ نژاد ایرانی این لایحه مهم است بنده شخصاً در قسمت حفظ نژاد مخالفی ندارم بنده برای حفظ نژاد داخله هیچ مخالفتی ندارم که مثلاً بگویند در داخله ابدأ تریاک بفروش نرسد و در نتیجه پنجاه هزار نفر تریاک هم بخرند بنده اهمیت نمیدهم. بنده شخصاً اهمیت نمیدهم که پنجاه هزار نفر تریاک بخرند برای اینکه حفظ نژاد ایرانی بشود اما تجارت خارجی مملکت را نباید از بین برد. بالاخره در سال ۱۹۱۴ شما چهارده میلیون صادرات تریاک داشتید کاهکاهی بیست میلیون هم شده است بالاخره حالا که بواسطه فشار دولت این تجارت کم شده است باز تقریباً هفت میلیون تومان میشود و این برای صادرات ایران که هیچ صادرات نداریم خیلی زیاد است و نباید از این جلو گیری کرد بکلی از بین رود.

فهمی (مخبر کمیسیون قوانین مالیه) - مسئله انحصار تریاک همینطور که در این دو جلسه آقایان فرمودند حقیقه يك مسئله دقیق و غامضی است. آقای دنتی اشاره فرمودند که دولت در اینها مطالعه نکرده اقدام میکند مثل مسئله راه آهن. بنده تصور میکنم این بر عکس است زیرا در مسئله راه آهن قبل از آنکه دولت يك مطالعه دقیقی بکند يك پیشنهاداتی دادند که بعد در عمل ملتفت شدند آن نوع نتیجه ندارد ناچار شدند تغییر دادند (در اینموقع آقای رئیس از مجلس خارج و آقای دیبا بصندلی ریاست جلوس نمودند) لکن مسئله تریاک غیر از آن است خاطر آقایان هست که در اول ورود مجاهدین (مشروطه نانی) قبل از اینکه مجلس افتتاح شود این فکر در دماغ ما ایجاد شد که يك مالیات جدید وضع کنند بر تنباکو و نوتون و مخصوصاً تریاک عوارض تریاک را قبل از اینکه مجلس افتتاح شود برقرار کردند و اداره نظمی که آنوقت در تحت ریاست پیرم بود عوائد آنرا میگرفت. بعد از افتتاح مجلس لایحه این مالیات را مجلس دادند لکن تمام نظر دولت وقت در

مجلس منحصر به جلوگیری از استعمال تریاک بود و هیچ قسمت تجارانی در نظر نبود و این مناسبت پس از مذاکرات زیادی که در این مجلس شد اتفاقاً در همان موقع هم بنده مخبر کمیسیون قوانین مالیه و مدافع آن لایحه بودم خیلی صحبت شد و قرار شد که شروع کنند از مثقالی سیصد دینار و تا هفت سال سالی صد و پنجاه دینار هم اضافه کنند باین شرط که بعد از هفت سال زراعت تریاک اصلاً از بین برود که هیچ زراعت نکنند. من لایحه این بود. در همان اوقات هم مذاکره بود که دولت چنین هم زراعت تریاک را قدغن کرده است. دولت ایران هم باید این کار را بکند بعد متدرجاً مواد لایحه عملی شد و در موقعی که دولتهای وقت برای جلوگیری از زراعت تریاک يك پیش بینی هائی میکردند متوجه شدند به مسئله تجارت تریاک دیدند که منع زراعت تریاک يك لطمه بزرگی است از برای اوضاع اقتصادی و مطلب خوبی نیست که دولت برای جلوگیری از استعمال داخله زراعت تریاک را منع کند چنانکه تا بحال هم این قانون کاملاً بموقع اجرا گذاشته نشده است و زراعت تریاک در مملکت باقی است ولی همیشه باز مطلب در تحت مطالعه بود که بچه وسیله منع استعمال تریاک را در داخله بکنند و برای صدور به خارجه هم جلوگیری نشود در این ضمن موضوع مذاکرات جامعه ملل پیش آمد و زراعت تریاک در دنیا یکی از مسائل بزرگ بین المللی شد همه داخل این صحبت شدند که چه باید بکنند که استعمال این سم مهلك را اصلاً از جامعه دنیا بر دارند صحبت هائی هم که در اطراف این امر شده است البته آقایان مسبقند و شنیده اند. برای جلوگیری از استعمال در داخله دولت هر چه فکر کرده است جز راه انحصار راه دیگری به فکرش رسیده است زیرا دیدند اضافه کردن باندول یا نظارت کردن در زراعت بالاخره بوسایل مختلفه قاچاق میشود و تریاک هم در داخله هست و میبرد و میکشند و راهی بنظر نمی رسد جز اینکه استعمال تریاک داخلی را دولت در تحت نظر داشته باشد نمیتواند تریاک را که در خانه و قهوه خانه ها استعمال

میشود محدود کند و متدرجاً کمتر بشود از طرف دیگر همانطوری که در جلسه قبل مذاکره شد برای اشخاصی که فعلاً معتاد به کشیدن تریاک هستند همه گمرک مساعدت هائی هم میشود از قبیل دادن دواهای مجانی و طبیب مجانی همه جور همراهیها برای اینکه در آتیه ترك بکنند لکن در عین حال باید دولت تریاک در دست خودش باشد تا از شر قاچاق جلوگیری شود.

آقا سید یعقوب - آنوقت بدر میشود.

کازرونی - قاچاق ترویج میشود.

شیروانی - برای مصرف داخلی صحیح است

مخبر - راپرت کمیسیون سابق هم که بنظر آقایان رسیده است در ابتداء امر نظر همین بود و با موافقت دولت اینطور در نظر گرفته شد که تریاک که برای استعمال داخلی مصرف میشود جداً در تحت نظر و انحصار دولت باشد ولی تریاک که بخارج میرود برای تجارت آزا آزاد بگذرانند در دست تجار نهایت در تحت نظارت دولت باشد آقای مدرس در جلسه قبل اظهار فرمودند که اگر يك قرار هائی در جامعه ملل بدهند برای عمل تریاک بالاخره لازم نیست که ما اول شروع کنیم دیگران شروع کنند ما هم دنبال آنها میرویم. ولی از آنطرف ما باید فکر کنیم که وقتی در جامعه ملل يك قرار هائی دادند همه شروع کردند ما نباید عقب باشیم و مقدمات کار را باید قبلاً بعمل بیاوریم برای اینکه اگر سایرین قرار می گذارند متفقاً که تریاک زراعتش متروک بشود یا محدود بشود و همه هم شروع کردند ما هم ناچاریم آن قرار هائی را که داده اند تعقیب کنیم چنانچه الان هم دولت انگلستان در هندوستان زراعت تریاک را رو بنقصان گذاشته و سالی يك عشر کسر کرده اند و دارد این کار را میکند چنانچه در جلسه آتیه جامعه ملل هم همین مطلب جزء دستور است و مذاکره خواهند کرد و اگر يك تصمیماتی دیگران گرفتند البته ما هم باید عمل کنیم.

شیروانی - چرا باید عمل کنیم؟

مخبر - ما جلو نباید بیفتیم ولی پس از اینکه همه



اقدام کردند ما هم یکی از افراد هستیم و بعلاوه این نکته را هم آقایان بدانند که مملکت ایران از حیث مقدار محصول زریک در درجه ششم و هفتم است و کمتر از جاهای دیگر زریک دارد یعنی بعد از ترکیه و هندوستان و یونان است و آنها بیشتر دارند ولی از حیث جنس زریک ایران مقدم است و از زریک همه جای دنیا زریک ایران از حیث مقدار مرفین مرجع و بهتر است و چیزی که قدری باعث نکت تجارت زریک ایران شد عملیات بعضی از تجار خودمان است زیرا زریک جاهای دیگر بد بود و برای اینکه زریک خودشان را مقدم بدانند و ترجیح بدهند بر زریک ایران آمدند زریک ایران را خریداری کردند و چیزهای دیگر بان مخلوط کردند برای اینکه مرفینش کسر بشود و زریک ایران را خراب کنند و این عمل را تجار خودمان هم کردند وقتی دیدند که فایده دارد شروع کردند باینکار و همین عمل سبب شد که زریک ایران قدری تنزل داد و صفات مخصوصی را که زریک ایران داشت بواسطه مخلوط کردن اشیاء خارج از بین بردند حالا دولت در نظر گرفته است اولاً مصرف داخلی را بکلی بتواند منحصر کند و بعد متدرجاً موقوف کند و ثانیاً تجارت این عمل را در تحت نظر بگیرد و از آن معایبی که درش پیدا شده است جلوگیری شود و رفته رفته بدون اینکه ضرری به مملکت بخورد با اینکه زریک را کم کند یا لا اقل بهمین حال باقی بگذارد. در این لایحه جدید ظاهراً انحصار تجارت خارجی را هم دولت با خودش کرده لکن در ضمن عمل قرار نگذاشته اند که تجارت این مواد را به تجار واگذار کنند نهایت با شرط تحصیل جواز و این انحصار و این شرایط برای این است که بلکه اولاً از عملیاتی که نسبت به زریک میکردند و او را در جزء زریک درجه چهارم و پنجم قرار میدادند جلوگیری شود که معلوم شود که هر مقداری که از هر نقطه خارج میشود چه قدر مرفین دارد زیرا از روی مرفین زریک درجه خوبی و بدی را تشخیص میدهند زریک ایران از صدی پنجم تا یازده

مرفین دارد و از روی میزان مرفین میتوانند تشخیص بدهند که این چه قسم زریکی است و از روی مقدار مرفین جواز میدهند و باید این جواز در تحت نظارت دولت باشد و زریک در صندوقهای بسته از مملکت خارج شود و دولت باید اولاً احصائیه زریک را داشته باشد و ممکن نیست این احصائیه را دولت تحصیل کند مگر اینکه از اول زراعت بتواند به زراعت برای کاشتن جواز بدهد و هیچ اشکالی هم ندارد. بنده هم مخالف نیستم که بعضی فرمالیته های اداری اسباب تعویق کار میشود ولی اینجا يك موردی است که اگر تعویقی در کار بشود موجب يك ضرر فوق العاده برای خود دولت خواهد شد. اگر اشخاصی که زراعت زریک میکنند دوماه سه ماه قبل از وقت بیایند اجازه بخواهند که ما میخواهیم زراعت زریک بکنیم. مقدار را هم اگر خواستند معلوم کنند و اگر نخواستند معلوم نکنند (بطوریکه در لایحه قید شده است) مأمورین هم مکلف باشند که بدون تعلل اجازه را بدهند آنوقت از روی این اجازه نامدها دولت میتواند يك احصائیه کاملی از مقدار زراعت زریک در دستش باشد و داشتن احصائیه برای مملکت يك مسئله خیلی بدی نیست و لازم است و از همه چیز دولت باید احصائیه داشته باشد خیلی خوب است و هر مملکتی که بخواد داخل رسته تمدن بشود اول مسئله را باید درست کنند این است که احصائیه آنچه که در آن مملکت است باید در دست داشته باشد و منحصر به زریک هم نیست بلکه در هر مورد دولت این کار را بکند و احصائیه زراعت مملکت را اعم از مصرف داخلی و خارجی داشته باشد. در این کار هم البته لازم است که دولت مقدار زراعت و مصرف داخلی و خارجی را بداند که برای مصرف داخله بتواند متدرجاً از استعمال آن جلوگیری کند تا به حدی که بکلی ممنوع شود و مصرف خارجی را هم بداند و در دست داشته باشد و تحت نظر دولت باشد که در مسائل عمومی و بین المللی هر قضیه که برای زریک اتفاق می افتد دولت مراقب باشد که يك مرتبه تجار ملتفت نشوند که بسته های زریک کتان

مانده است و به جایی نمیتوانند حمل کنند و دولت هم هیچ اقدامی نکرده است. بنده هم عقیده هستم با آقایانیکه میفرمایند که دولت تجارت نمیتواند بکند و دولت زارع و تاجر خوبی نیست و این مطلب معین و واضح است لکن در بعضی موارد دولت باید این کار را بکند مثلاً در مالک خارجه غالباً ملاحظه میفرمائید که باروت را دولت منحصر میکند بخودش و اجازه فروش نمیدهد. کبریت را منحصر به خودش میکند و از این قبیل چیزها را دولت خرید و فروشش را بخودش انحصار میدهد چون این چیزها از ضروریات زندگانی که نیست البته اگر دولت بخواد بکنند را بخودش انحصار بدهد خوب نیست لکن زریک را که دولت مقید است که در داخله از استعمالش جلوگیری شود و تجارت خارجی آن هم در معرض يك مذاکرات و مزاحماتی واقع شده است دولت باید این کار را بکند نهایت هنوز دولت برای مساعدت تجار و کسبه که از این راه استفاده میکنند حاضر نشده است که دست آنها را کوتاه کند و اسم انحصار روی این بگذارد ولی برای اینکه يك احصائیه کاملی از تجارت خارجی این مال التجاره داشته باشد و عملاً هم يك ککی به تجاری که میخواهند زریک را خارج کنند بکنند این کار را می کنند. این که فرمودند دولت فقط می خواهد يك فایده پولی از این جا ببرد عرض کنم که فقط فایده پولی نیست زیرا اگر تجارت این کار کم شد البته برای دولت ضرر دارد این بیش بینی است که دولت برای تجارت آتیه مملکت میکند و باید بداند که این تجارت تا چه اندازه پیشرفت خواهد کرد فرضاً ما آزاد گذاشتیم که زریک از مملکت خارج شود اگر دیگران در خاک خودشان ممنوع کردند آنوقت برای ما چه صورت پیدا میکند؟ البته دولت باید اینها را در نظر بگیرد و باید بداند که تصمیمات سایر دول راجع به این امر چیست. بنده کاملاً موافقم با آقایان که تا وقتی که سایرین يك قدمهای اساسی برای اینکار بر نداشته اند ما يك قدمی روی این کار برنداریم و تجارت خودمان را

حفظ کنیم...

مدرس - پس این لایحه را پس بگیرد.

مخبر - اگر آنها شروع کردند به محدود کردن آنوقت ما هم میرویم دنبالشان ولی تا وقتی که آنها شروع نکرده اند ما هم شروع نخواهیم کرد و این نظر هم مانع از این نیست که از حالا پیش بینی آتیه خودمان را بکنیم اگر این پیش بینی نشود يك وقتی را يك محظوری می بینیم دیگر که هیچ کاری از ما پیشرفت نمیکند و باید این کار را دولت بکند که عملیاتی که تجار تا بحال کرده اند جلوگیری کند و نگذارد که موجب شکست زریک ایران در خارجه بشود و فعلاً با يك جوازی این کار در دست تجار است تا وقتی که بعد از يك مدت تجربه ما به بینیم که تجارت این کار در خارجه چه جور میشود و انحصار بدست دولت چه قسم خواهد بود و البته دولت اگر این کار را عاقلانه بکند بسیار عمل مفیدی است هم برای خود دولت و هم برای تجار ولی اگر در اداره کردن آنطوری که لازم است عمل نشود نتیجه مطلوبه حاصل نخواهد شد.

نایب رئیس - آقای تقی زاده

تقی زاده - بنده مخلف اقداماتی که در زمینه محدود کردن معاملات زریک باشد نیستم ولی تحویل گرفتن از زارع و گذاشتن در اختیار و داشتن يك نظارت دولت اینها اگر برای مقاصدی باشد که همه ما در نظر داریم هیچ ضرر ندارد ولی به چه وجه بنده سر خرید و فروش دولت را نمیتوانم فهمم. این لایحه وقتی که اینجا آمد اول چیزی که بنظر بنده رسید این بود که دولت از مداخله در عمل زریک آن فوائد و مقاصدی که از این کار بهتر است در نظر دارد. این جا سه مقصود ممکن است دولت در این کار داشته باشد. یکی از آن مقاصد این است که دولت مداخله میکند برای اینکه يك مالیاتی از این کار حاصل کند و فایده برای دولت داشته باشد. این از چیزهایی است که اصلاً به خاطر بنده رسیده بود و اگر بخاطر هر کس رسیده بود خیال میکرد که این مسئله ادنی فایده این کار است مطلب



دوم تحدید استعمال زبک در داخله مملکت و مقصود سوم تحدید انتشار زبک در خارجه برای غیر مصرف طی این دو مسئله اخیر خیلی مهم تر از مسئله مالی است که دولت در نظر دارد همینطور که بعضی از آقایان اظهار فرمودند که شایسته نیست که دولت تجارت را از دست بخارج بگرداند برای اینکه خودش فایده ببرد بنده همین عرض را میکنم که مهمترین فایده از دخالت دولت در عمل زبک هست و فایده غیر قابل قیاس است این است که در داخله زبک را محدود کند بلکه براندازد ولی بدیختانه در این لایحه هیچ آثاری از این قضیه پیدا نمیکنیم اگر چه اظهار داشته اند که این مقصود هم هست و دولت نیتش این است که بتدریج مصرف داخله زبک را براندازد ولی این نیست اگر در خیال دولت است هیچ آثاری در این لایحه از آن ظاهر نیست بلکه دولت این جا صراحتاً مکرر کرد و بعضی از آقایان هم موافقت کرده کشت و زراعت زبک محدود نشود. بنده عرض میکنم اگر زراعت زبک را محدود نکنند این اندازه تریاک که الان کاشته میشود قطعاً بک مقدارش را هم مردم ایران میخورند و میکشند و بک مقدارش را بخارجه میفرستند باید به بینیم که چه کاری میشود کرد که مردم ایران زبک نخورند و نکشند؟ البته باید کمتر بکاریم و زراعت آرا باید محدود کرد، در صورتیکه غالب آقایان داد میزنند که زراعت زبک نباید محدود بشود بنده بالعکس معتقدم که زراعت زبک را باید بتدریج کم کرد بطوری که بک مثقال زبک کبر اهل این مملکت نیابد که بخورند یا بکشند...

کازرونی از هندوستان می آورند.

نقی زاده - آقا البته در موقع خودش شما هم مقصود خودتان را بیان میکنید. بنده عرض میکنم که با از هندوستان یا از هر مملکت دیگری بیاید ما باید تمام وسائل را اتخاذ کنیم که بک مثقال زبک کبر اهل این مملکت نیابد که بخورند یا بکشند اگر از خارجه هم بیاید باید جلوی قاچاق را بگیریم اگر از داخله می آید

زبک را هم دولت نتواند منع کند. این کسب در آن قسمتی که راجع به استعمال داخلی است اگر چندین میلیون برای فروشندگان فائده داشته باشد از طرف دیگر کرورها برای این مملکت ضرر دارد بطوریکه منفعت آن هیچچوجه قابل مقایسه با ضررش نیست زیرا که استعمال زبک اسل این مملکت را ضایع میکنند و این ملت را میکشد. در قسمت تجارت خارجه هم دولت ایران با بعضی از ممالک دیگر در این تجارت رقابت دارد. اولاً در مملکت ما زبک کاری به این درجه شیوع نداشت و سابقاً اینقدر کاشته نمیشد آنچه که بنده ملتفت شده ام در چهل یا پنجاه سال پیش از این که درست تاریخش خاطر من نیست بواسطه مرض که در پیله ابریشم حاصل شد و این کار زمین خورد مردم بیشتر بجای تربیت کرم ابریشم زبک کاشتند و کم کم شیوع پیدا کرد. پس اگر ما بخواهیم بتدریج زراعت زبک را محدود کنیم و بطور قطع زراعت زبک را از بین ببریم باید فکر بک چیزی بکنیم که جای زراعت زبک را بگیرد ولی حالا می بینیم که هیچ آثاری در این لایحه ندارد. بنده عرض میکنم که دولت باید مسالماً بک فکری بکند که بک قدم بزرگی برای منع کشت و زرع زبک بردارد. بعضی از آقایان اشاره به این کردند که ما وقتی از تجارت خارجی خود مان باید دست برداریم که دیگران هم این کار را بکنند، این بک فرضی است که باید برای این فرض ما خودمان را از حلال مهیا کنیم زیرا دیگران دارند این کار را میکنند یعنی بعضی از ممالک قوانینی گذرانده اند زراعت زبک را تحت نظارت دولت آورده اند و بی اندازه محدودش کرده اند آنچه که بنده اطلاع دارم در هندوستان بک قانونی وضع کرده اند که در هر سال بک عشر از زراعت زبک را کم میکنند که پس از هشت سال زراعت زبک در هندوستان بقدر بک عشر آن میماند که سابقاً بود، بعضی ممالک قوانینی گذرانده اند که کشتی هاشان زبک حمل نکنند. اگر بعضی ممالک دیگر هم با ما رقابت دارند در تجارت زبک خارجی ممالکی هستند که در داخله خودشان هیچ زبک

مصرف نمیشود و تمام زبک آن در خارجه فروخته میشود پس بطور کلی ما باید این سه نکته را در نظر داشته باشیم. اولاً باید زبک را کاملاً تحت نظر دولت بیاوریم برای این مقصود که در داخله مصرف زبک را بکلی براندازیم. ثانیاً خودمان را مهیا کنیم که در مصرف خارجه اش هر وقت خواستیم تقلیلی بعمل بیاوریم برای ما ممکن باشد و هر وقت که منافع سیاسی و اقتصادی ایران را دیدیم که مهیا است و لازم است تجارت خارجی را هم محدود کنیم کنیم چون نه تنها ما قصد داریم که در داخله مملکتمان کسی زبک نکشد بلکه میل هم داریم که از زبک کشیدن دیگران هم جلوگیری شود و بک چیزی را که ما میل نداریم در داخله خودمان استعمال شود البته نباید راضی شویم که دیگران هم استعمال کنند و دیگران را مبتلا کنیم ولی البته این در موقعی است که راهبانی دیگر روی آن مردم بسته شود و فقط راه زبک ایران باز باشد. آنوقت است که ما هم باید راه خودمان را مسدود کنیم. عرض دیگر اینکه مصرف طی زبک در دنیا خیلی کمتر از آن است که الان کاشته میشود، آنچه که بنده اطلاع دارم در سال پانزده هزار خروار در تمام روی زمین زبک کاشته میشود و از این مقدار قریب چهار هزار و پانصد کیلو فقط برای مصرف طی لازم است یعنی هزار بک کل محصول زبک و این کار در بازود بعمل خواهد آمد یعنی همه عقلای ملل به این خیال هستند که این زراعت را بتدریج محدود کنند و براندازند و باید مقصود عمده از این کار دست دولت باشد این باشد که مصرف داخلی آرا بکلی ممنوع کنند و مصرف خارجی را هم محدود کنند و اصلاً شایسته دولت نیست که آنچه را که خودش معتقد است که نهایت ضرر را برای مردم دارد و به قول آقای مدرس حرام است خودش مباشر فروش آن باشد و بک کار غیر جائز حرامی را بکنند و نباید این کاری که الان اداره تجدید میکند بکنند چنانچه در مسئله تجدید مکرر شکایت شده است که مأمورین تجدید برای بک قریه فلان مقدار مصرف زبک را مینویسند و سال



دیگر که مصرفش کم میشود مأمورین استنادگی کرده اند که باید همانقدری که سال قبل مصرف شده بود مصرف شود این کار برای دولت متناسب نیست و واقعاً مثل این است که دولت یکی از مضرترین کارهای دیگر را که برای ملت مضر است در دست خودش گرفته باشد. این چیزی که در این لایحه کم بود و با وجود نبودن این مطلب در این لایحه بنده موافق این ترتیب انحصار نیستم برای اینکه مصرف داخلی تریک یعنی خرید و فروش آزاد دولت خودش در دست گرفته است و علاوه بر این بر انداختن مصرف داخلی تریک در این لایحه چیزی منظور نشده است و ابداً هم فکری برای تبدیل زراعت تریک زراعت دیگری (در صورت کم کردن آن سال بسال در این لایحه) نگرده است پس در اینصورت که دولت میخواهد زراعت تریک را محدود کند و میخواهد مصرف داخلی تریک را بر اندازد و میخواهد همان اندازه که تریک در داخله مصرف میشده حالا هم مصرف شود و خودش بفروشد شاید بیشتر دولت سعی کند که مصرف برسد در اینصورت هیچ مقصودی از این لایحه بقی نمیند مگر موضوع فایده مالی آن و این هیچ شایسته نیست برای دولت که خودش مباشر یک کاری که مضر است بشود و این کار را از دست نجاری که از این راه فایده میبرند بگیرد که خودش فایده ببرد. بنده در صورتی با این لایحه موافق میشوم که دولت جواز برای زراعت تریک بدهد و در انبار دولت ماند و در تحت نظارت دولت باشد بشرطیکه دولت آنرا بخرد و خودش بفروشد و بشرط این که در این لایحه پیش بینی کند که ناچه موقعی میخواهد مصرف داخلی تریک را کاملاً محدود کند زیرا که استعمال تریک یک بلای است برای این مملکت و باید یک فکر خیلی اساسی برای اینکار بشود. البته آقایان مطلعند که دولت چین چند سال قبل جزای اعدام برای مصرف تریک معین کرد و البته در ایران هم تا یک اقدام اساسی برای انداختن تریک نشود این لواحق جزء مستحبات و جزء یک قضایای غیر معتدبه خواهد بود. پس اولاً دولت

باید خرید و فروش را منحصر به خودش نکند فقط در انبار گذاشتن و محدود کردن و نظارت کردن آن با دولت باشد تا با بر انداختن مصرف داخلی را منظور نظر خود کند که بهر وسیله و هر چه زودتر بلکه مصرف داخلی را ممنوع کند و ثالثاً تبدیل زراعت تریک به زراعت دیگری تا یک منبع عایدی دیگری بکند. علاوه بر اینها اگر دولت بخواهد خودش تریک را بخرد و بفروشد باید مبلغی در بودجه منظور کند و در اینجا دیده میشود که دو میلیون تومان از عایدات مملکتی میخواهند برای خریدن تریک تخصیص بدهند در چندی قبل مجلس شورای ملی یک بودجه تصویب کرد که در آن بودجه تمام عایدات مملکت در یک طرف جمع زده بود و رز مخارج هم در طرف دیگر نوشته بود و هر دو جمع مسازی بود. معنی آن این بود که این عایدات تخصیص داده شده است به این مصارف معین و چیزی زیاد نباید این بودجه که ما داریم برای چیست؟ اولاً از کجا است که هر هفته یا هر دوروز علی التوالی یک لایحه به مجلس می آید که صد هزار تومان برای فلان کار هشتاد هزار تومان برای فلان کار، سی هزار تومان جهت فلان کار دو میلیون تومان برای اینکار؟ آیا این از یک منبع دیگری غیر از آنکه عایداتش در بودجه معین شده است می آید؟ اگر از محل عایداتی است که در بودجه پیش بینی شده بود این اسباب زحمت بودجه خواهد شد و در آخر سال باعث نقصان بودجه میشود به این جهت بنده پیشنهاد میکنم که دولت خرید و فروش را منحصر به خودش نکند ولی از دست زارعین و مالکین تریک را بگیرد و در انبار نگاهدارد و هر وقت هم میخواهند خارج کنند اجازه بدهد تا هم بدانند به چه مصرف میرسد و هم به اجازه دولت به آن مصرف برسد.

وزیر مالیه - اعتراضات نماینده محترم به این لایحه به سه مطلب مهم است یکی اینکه چرا در این لایحه دولت ماده از برای موقوف کردن زراعت تریک نگذاشته است یکی دیگر اینکه چرا در این قانون وسیله برای

بر انداختن مصرف داخلی تریک معین نشده است بالاخره یک مطلب دیگری که هست در سر اعتبار است البته این اعتراضاتی که کردند هر کدام بجای خودش صحیح است. بنده در ضمن مذاکراتی که این جا در جلسه گذشته بعرض آقایان رساندم عرض کردم که یک جریان و یک سیاستی در دنیا نسبت به موقوف کردن زراعت تریک موجود است و یک تکلیفاتی هم به دولت کرده اند و یک انتظاراتی هم از دولت ایران دارند و البته در آن حدودی که این سیاست مربوط به حفظ الصحه عمومی دنیا است هیچکس اصولاً مخالفتی ندارد ولی خیلی فرق است بین سیاستی که در جامعه ملل یا در اروپا جریان دارد و این سیاست معلوم نیست که امروز یا دو سال دیگر باده سال دیگر با بیست سال دیگر بموقع عمل گذارده شود یا وظایف یک مجلس یا یک دولتی که در مملکت او یک تریک کاری بزرگی وجود دارد و تجارت مهم خارجی آن مملکت تریک است این خیلی فرق دارد. بنده خیال نمیکم که امروز مجلس شورای ملی مصمم باشد و موافق باشد با اینکه زراعت تریک را ما بر طرف کنیم.

بعضی از نمایندگان - صحیح است. ایداً مجلس موافق نیست.

وزیر مالیه - در لایحه که سابق پیشنهاد کرد بودیم یک ماده داشت مبنی بر اینکه دولت بعد از سه سال تأمل شروع خواهد کرد که سالی یک عشر از زراعت تریک را کم کند و بعد از انقضاء سال سوم که سال ششم میشود از تاریخ تصویب مجدداً در مسئله تجدید زراعت تریک تجدید نظر کند و نتیجه را ببیند که بعد یک تصمیم قطعی گرفته شود. آقای نقی زاده: ما هر چه کردیم در کمیسیون قوانین مالیه که با ما در این ماده موافقت کنند موافقت نکردند بالاخره ما که قوه مجریه هستیم باید سیاست و مصالح مملکت را بر طبق سیاست و خطی که مجلس شورای ملی اتخاذ میکنند اجرا کنیم...

نقی زاده - از مصرف داخلی حرف بزنید بخارجی کاری

نداریم. وزیر مالیه - اجازه بدهید آرا هم عرض میکنم چون مطلب را سه قسمت فرمودید بنده هم جواب هر سه قسمت را علیحده عرض میکنم. ولی از آنطرف البته بنده این عقیده را دارم و همه آقایان هم این عقیده را دارند حتی همان اعضاء کمیسیون قوانین مالیه که با آن ماده موافقت نکردند این عقیده را دارند که ما با سیاست زراعت تریک را بموقع خودش کم کنیم و در مقابلش یک عوض فکر بدینیم که آنچه که امروز از این حیث پول از خارج بمملکت ما وارد میشود از راه دیگر وارد شود و اگر کسی بگوید جلوی زراعت تریک گرفته نشود این منطقی نیست منتها از این میترسند که عوض که برای تریک معین می شود جای زراعت تریک را نگیرد و با اینکه بزودی نشود. ما فکر کردیم که راه انحصار تقریباً یک مقدمه است برای تمام این مسائل یعنی به دست گرفتن این زراعت و به این ترتیب تمرکز دادش در تحت نظر دولت یک راه خوبی برای فراهم کردن مقدمات این کار است برای اینکه آنوقت همیشه ما میتوانیم مواظب باشیم و تمام مصرف داخلی و خارجی تحت کنترل بیاید بازار را به بینیم. و به بینیم حقیقاً مصرف طی که آقای نقی زاده فرمودند به این اندازه کم است که نمیتواند بالاتر از این باشد؟ به بینیم این همه دول اروپائی از قبیل دولت فرانسه و آلمان و غیره که مشتری هستند و میخواهند برای بیست سال بیست و پنج سال خروارها از ما تریک بخرند رای چه میخرند؟ مگر آنها دول اروپائی نیستند؟ مگر عضو جامعه ملل نیستند؟ مگر آنها به اندازه بنده و سرکار بصیرت به این جریانات سیاسی ندارند؟ آنها برای چه میخواهند؟ آنها ناچار یک مصرفی دارند خوب اینهم یک بازاری است. پیدا کردن زراعتی هم عوضی تریک در این مملکت بی آب که وضع کشت تریک یک طوری است که در یک موقعی کاشته میشود که آب مصرف دیگری ندارد. در یک مملکتی که وسائل قلبیه بقدر کافی نیست پیدا کردن عوض کار مشکلی است



این است که نمیتوانیم در ظرف امروز و فردا بگوئیم عرض آنرا پیدا میکنیم ولی بدیهی است دولت ناآب حدی که بمنافع عمومی دنیا و بمنافع نژادی خودش انواع بشر کمک میکند و مخالف با مصالح اقتصاد است هم نیست موافق است و اداره انحصار در تحت نظر گرفتن هم یکی از محاسنش همین است که بهتر میتواند در این قضایا مذاقه کند. پس تصدیق بفرمائید که امروز بغیر از آنچه که اینجا گفته شد و اظهار شده است و اینکه يك قانونی از مجلس بگذرانیم یعنی آقایان رأی بدهند بغیر از این و بهتر از این نمیشود. ولی ما نمیتوانیم حالا اینجا معین کنیم که چه قسم منع شود و عوض چه قسم باشد اینها يك چیزهایی نیست که حالا بطور قطع و یقین معین کنیم پس بنده تصور میکنم اگر ما بخواهیم مطابق مصلحت عمومی مملکت خودمان عمل کنیم و این کار را کرده باشیم راهش این است که این انحصار را تصویب کنیم و آنوقت دولت برای اصلاح امور اقتصادی هر قدمی را که لازم باشد در آنجا بردارد می آید به عرض مجلس میرساند که هر قسم صلاح دانستند عمل شود. ولی حالا که ما میخواهیم يك قدم خیلی کوچکی برداریم می بینیم که مساعدت نمیشود علت اینهم که مساعدت نمیشود وضعیت مملکت است. البته مملکتی ما اجازه نمیدهد که مجلس شورای ملی بیابد اینجا بنشیند و من را مجاز کند که در ظرف ده سال زراعت تربیك را موقوف کنم زیرا هنوز نمیتواند بداند که من میتوانم عوض این زراعت را معین کنم یا نه؟ ولی وقتی این انحصار تصویب شد دولت بهتر میتواند مذاقه کند و البته در ضمن عمل عوضش را پیدا میکنیم وقتی پیدا کردیم می آوریم اینجا نشان میدهیم وقتی که نشان دادیم آقایان موافقت میکنند ولی پیش پدش تقاضای تعیین موقعش چیز بی موردی است زیرا خیلی مشکل است. آمدیم سرمصرف داخلی اگر آقای تقی زاده اینطور تصور کرده اند دولت معتقد است که مصرف داخلی باید رواج پیدا کند و رواجش بیشتر شود که دولت عایدی داشته باشد این را قطعاً اشتباه فرموده اند. هر قیمت و هر

عایدی هر قدر هم زیاد باشد موافقت نمیتواند بکند با اینکه افراد این مملکت و اهالی این مملکت از این عادت بد و از این سم مهلك خلاص شوند پس هیچ قیمتی ما حاضر نیستیم که این ترویج را بکنیم ولی بنده تعجب میکنم از کجای این لایحه پیدا کرده اند که این ترویج است و چرا تعبیر نمیشود که مقدمه جلو گیری است جلو گیری را چگونه باید کرد اول راهش این است که بایستی از قاچاق جلو گیری کرد. هم قاچاق داخلی و هم قاچاق خارجی و باید و سائلی تهیه کرد که حقیقتاً جلو گیری شود و باید وسایل حفظ الصحه و غیره فراهم کرد که این عادت بد ترك شود و البته این کار وسائل میخواهد و آقای تقی زاده تصدیق میفرمایند که ما نباید بواسطه قتل عام زبانی ها جلو این کار را بگیریم. تربیك يك سمی است خیلی مؤثر که بدنی و يك طبیعی که عادت کرد بیست سال بیست و پنجسال تربیك بکشد این را باید برایش وسائلی تهیه کرد که دفع شود باید کاری کرد که بچه اش تربیكی نشود و الا این نقض غرض میشود! ما امروز میخواهیم حفظ نژاد بکنیم نه اینکه بگمربیه يك مشت تربیكی را قتل عام کنیم این يك تصمیم چنگیزی است و امروزه نمیشود و در این دوره مشکل است این راه را رفت باید راه پیدا کرد و بهترین راهش همین قضیه انحصار است. اینجا ما آمدیم اولین کاریکه که کردیم قیمت را گران کردیم حالا اگر آقای تقی زاده میخواهد به این قیمت هم اضافه شود من هم قبول میکنم که در هر سال قیمت را مؤسسه انحصار دو برابر کند حالا دو ربال است سال بعد بکنند چهار قران پنجقران بنده هم حرفی ندارم ولی راه های حقیقی راه های حفظ الصحه ایست تهیه وسائل تبلیغی است و بالاخره مشکل کردن تهیه اش برای مردم. و در این مملکت هیچ چیزی مفید تر از این نیست که راه تهیه کردن و بدست آوردن این سم مهلك را مشکل کرد از هر راه خواه گران قیمت خواه راه های دیگر آن وقت خود اشخاص در صدد بر می آید که این عادت را ترك کنند

و از بین ببرند فرضاً اگر يك مثقال تربیك می کشند يك نخود بکشند برای اینکه دیگر پولش را ندارند و برور از سرشان می افند. اینها تمام در انحصار موجود است و هیچ راه دیگری برای رسیدن به این مقصود بهتر از انحصار نمیشود. قسمت نالك که اظهار فرمودند که این پولی را که میخواهیم برای مؤسسه انحصار! فراموش کردم این قسمت را عرض کنم يك چیز هم فرمودند که این عمل مذهومی است که دولت فروشنده يك سمی باشد آیا رواج بودن این سم و جلوگیری نکردنش بهمان اندازه مذموم نیست برای يك دولت و يك مملکتی اینها يك بدبختی هایی است که وقتی انسان با آنها مواجه است باید نگاهشان کند و برایشان چاره پیدا نکند از گفتن کلیات هم درست نمیشود. بهمان اندازه که برای يك دولتی تمام زراعت تربیك را درو نکردن و خراب نکردن از نقطه نظر تربیك کشی مذموم است بهمان اندازه هم که در دستهای مختلف بفروش میرسد در داخله مملکت مذموم است و گمان میکنم تمرکز دادن فروش آن که بدستهای مختلف بفروش رسد مذمتش کمتر باشد برای این که از این راه بهتر میتوان جلو گیری کرد. شما نباید بگوئید دولت نه فروشنده باشد نه خریدار خوب جمع کند در انبار برای چه؟ همه اش را آتش زند و برزد دور که در داخله هیچ مصرف نشود؟ عرض کردم وسیله لازم دارد باید طریقی را در نظر گرفت که مؤثر باشد و بعقیده بنده بهترین وسیله برای این مقصود همین است که دولت این کار را بکنند در ضمن هم مشکل را می بکنند قسمت نالك را جمع باعتبار بود عرض کنم همانطور که آقای تقی زاده فرمودند بودجه جمع و خرج این مملکت را دولت بمجلس شورای ملی تقدیم کرد و تصویب هم شده است با يك معادله جمع معین و خرج معین ولی این دو میلیون تومان که اینجا ذکر شده است يك خرجی نیست و این يك پولی نیست که ما از بودجه عمومی بدهیم که مصرف شود. این مؤسسه انحصار يك سرمایه میخواهد برای شروع بکار و شاید در سال دوم این سرمایه

را نخواهیم یا اگر این سرمایه را بخواید يك حساب جاری است که بگیرد و بدهد و يك دبندار به بودجه عمومی شما ضرر وارد نمی آورد این يك اعتباری است ممکن است امروز مؤسسه انحصار احتیاج پیدا کند که دوست هزار تومان با صد هزار تومان بگیرد و بعد پس بدهد و نامیزان دو میلیون تومان مؤسسه انحصار میتواند از ما پول بگیرد و ما میتوانیم بدهیم این را چه میکنند؟ از این دست تربیك میخورد از آن دست با منفعت میفروشد تصدیق بفرمائید که این پول برمیگردد اگر بنا بود تمام محصول تربیك این مملکت را بگمربیه بخرد با دو میلیون تومان که نمیشد پس این طبیعی است که این دو میلیون تومان برای این نیست که خرج بشود اعتبارات است برای اینکه این مؤسسه بتواند معامله تجارنی بکند و داد و ستد نماید و هیچوجه من الوجوه به مخارج مملکت و اعتبارات مملکتی صدمه نمیزند در ضمن این مطلب آقا يك تذکاری فرمودند که با وجود اینکه بودجه تعدیل شده است اغلب می بینیم دولت يك لواجسی می آورد و يك اعتباراتی میگیرد البته تصدیق میفرمائید که یکی دو فقره بیشتر نبوده است و فورمولش هم این بوده است از منابع تعهد نشده ۳۰۷ معنایش چیست؟ معنایش این است که این مبلغی که به مجلس آمده است و در مقابلش يك خرجی تهیه شده است اگر این مبلغ اضافه داشته باشیم خرج این محل ها بکنیم خوب در ضمن عمل اگر بتوانیم از يك منابعی عوایدی پیدا کنیم چه ضرری دارد. بعقیده بنده هیچ ضرری ندارد بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است دکتر مصدق - بنده مخالفم نایب رئیس بفرمائید. دکتر مصدق - بنده برروز اجازه خواسته بودم که در کلیات نظریات خودم را عرض کنم نوبت به بنده رسید امروز هم در ماده اول يك نظریاتی دارم. اگر اجازه بفرمائید نظریاتم را عرض کنم والا مختارید. نایب رئیس - آقای رفیع



حاج آقا رضا رفیع - عرض کنم خاطر آقا مسبوق است که پرروز هم اینجا در اطراف این لایحه مذاکره شد امروز هم مذاکره شد و آقا میدانند چند جلسه بیشتر به عمر مجلس باقی نمانده حضرت مستطابعالی هم اگر نظریاتی دارید ممکن است در ضمن يك پیشنهاد عنوان بفرمائید آن پیشنهاد طرح میشود آقا هم نظریات خودتان میفرمائید و الا در کلیات حرف زدن جز کنفرانس نتیجه دیگری ندارد باید داخل عمل شد خوب است آقا هم موافقت بفرمائید مذاکرات کافی باشد پیشنهاد بفرمائید نظریاتتان را هم بفرمائید اگر آقایان دیدند صحیح است قبول می کنند و الا مذاکرات بقدر کافی شده است. دولت يك لایحه تنظیم کرده است آورده است به مجلس البته آنها هم که با دولت موافق هستند یا این لایحه هم موافقت میکند از نقطه نظر اینکه يك فعل حرامی است همانطور که آقای مدرس هم فرمودند و بهر ترتیب بشود از فعل حرام باید جلوگیری کرد و همه مسلمانها باید موافقت بکنند وقتی هم يك فعلی حرام شد همه چیزش حرام است. خوب است آقا هم با کفایت مذاکرات موافقت بفرمائید و در ضمن پیشنهاد نظریاتشان را بفرمائید شاید ما هم موافقت کنیم

نایب رئیس - رأی میگیریم به کفایت مذاکرات. آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند. (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - تصویب شد  
دکتر مصدق - تصویب نشد.

نایب رئیس - تشخیص با هیئت رئیسه است. پیشنهاد آقای دکتر رفیع.

(بشرح ذیل خوانده شد)  
دو تبصره ذیل را به ماده اول پیشنهاد میکنم: تبصره اول دولت مکلف است وسائل ترك تریاک را در غیر موارد طبی فراهم آورده و در مدت معینی استعمال این سم مهلك را در مملکت منع نماید.  
تبصره دوم - فروش تریاک در موارد طبی از طرف

آورده و در ظرف مدت معینی سه سال پنج سال ده سال استعمال آنرا ترك دهد و در تبصره دوم هم پیشنهاد کرده ام که فروش تریاک را به دواخانه ها انحصار بدهد و به نسخه اطباء و این خیلی بدیهی است بجهت اینکه استعمال تریاک را در مواقع طبی منحصرأ طبیب میتواند تشخیص بدهد و در همه جای دنیا رسم است دواخانه ها نسخه های سم دار را بدون اجازه طبیب نمیدهند. این است که بنده این پیشنهاد را تقدیم کردم.

وزیر مالیه - بنده با این پیشنهادی که آقای دکتر کردند کاملاً موافقم و چیزی نیست که با آن مخالف باشم ولی از ایشان خواهش میکنم این را بطور تبصره در ماده اول پیشنهاد نکنند بگذارند باشد مطالعه کنیم و در آخر قانون بعنوان الحاقیه اضافه میکنیم و الا با اصلش بنده هم موافقم

دکتر رفیع خان امین - بنده فرمایشات آقای وزیر عالییه را قبول میکنم

نایب رئیس - پیشنهاد آقای فیروز آبادی (بمضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد حذف ماده اول را مینمایم  
نایب رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده می بینم دولت در این لایحه چند نظر دارد یکی استعمال نشدن تریاک در داخله که بعقیده بنده با این ترتیب ترك نخواهد شد. دوم آنکه دولت آمده است انحصار کند آنوقت اینجا قائل شده اند که خرید و فروش و حمل و نقل با خود دولت باشد و بتجربه معلوم شده است هر کاری که دولت بخواهد بکند خرجش بیش از دخلش است کمتر دیده شده است خرج و دخلش مساوی باشد یا دخلش زیاد تر باشد. مثلاً اداره خباز خانه شان خوب شده است ولی ببینید که چه قدر خرج آن شده است گندمی را که الان خرواری هیجده تومان کسی نمبخورد نان را خرواری بیست و چهار تومان میفروشند و هر چیز را که دولت میخواهد اداره کند اگر اینطور ضربه مملکت زند البته خوب

خواهد شد. گندم خرواری هیجده تومان یا کمتر نانیش را خرواری بیست و چهار تومان فروختن برای مردم خیلی مضر است بعقیده بنده اینهم همین اثر را خواهد داشت و باید تجارت تریاک مثل سابق آزاد باشد و از راه دیگر از این قسمت جلوگیری شود و الا با این ترتیب جلوگیری نخواهد شد به این ملاحظه بنده پیشنهاد کردم این ماده حذف شود.

نایب رئیس - آقای رفیع

حاج آقا رضا رفیع - آقا فرمودند جلوگیری از این سم مهلك از راههای دیگر میشود ولی راه نمائی نفرمودند فقط راهی که به عنوانش رسید این بود که ماده حذف شود بنده تقاضائی که دارم نظر خودشان را در خصوص جلوگیری از این سم مهلك پیشنهاد کنند و البته اگر بهتر از این ترتیب باشد ما هم قبول میکنیم و این مثلی که راجع به نان طهران آوردند که خرواری بیست و چهار تومان بفروش میرسد تصدیق میفرمائید که یکوقت دولت گندم را گران میخورد تقریباً چهل تومان و چهل و پنج تومان و ارزان میفروخت و بالاخره وقتی قحطی میشود دولت باید پول بدهد و گندم بخرد و حیات مردم را اداره کند دولت این کار را که برای صرفه نمیکند برای دولت حیات و زندگان مردم صرفه دارد نه اینکه بخواهد تجارت کند و تومانی يك عباسی منفعت کند. اگر آقا دیده اند نسبت به ارزاق مخالفتهایی میشد برای پولهای بی مصرفی بود که امریکاییها در این مملکت خرج کردند و دور ریختند و الا برای حیات مردم دولت هر قدر هم خرج کند ما هم موافقیم.

نایب رئیس - رأی گرفته میشود به ماده اول آقایانی که موافقتند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)  
نایب رئیس - تصویب شد.

فیروز آبادی - به پیشنهاد بنده رأی گرفته نشد.  
نایب رئیس - پیشنهاد جنابعالی پیشنهاد حذف بود

به پیشنهاد حذف که رأی گرفته نمیشود. ماده دوم



(بزرگب ذیل خوانده شد)

ماده دوم - در محل هائیکه زراعت تریاک میشود زارعین و مالکین مکلفند همه ساله در ظرف سه ماه قبل از شروع به کشت و زرع تریاک شخصاً و یا بوسیله نماینده ثابت الوكاله خود اظهار نامه داده و از اداره مالیه محل تحصیل جواز نموده شروع به زرع نمایند

نایب رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - عرض کنم در اینجا شاید توضیح زیاد بیشتر باعث زحمت شود. بنده چندان اعتدائی به این ماده ندارم و عرضی هم ندارم.

نایب رئیس - آقای فرمند

فرمند - در این ماده نوشته شده است که سه ماه قبل از شروع به کشت باید از مالیه اجازه بگیرد و بعد کشت و زرع نماید مخالفت بنده از این نقطه نظر است که در بعضی نقاط این مملکت وزارت مالیه اداراتیده دارد تا آن دهائیکه میخواهند اجازه بگیرند گاهی بیست فرسخ شاید سی فرسخ فاصله دارد و تشکیلات مالیه بقدری وسیع و کامل نیست که در همان بلوک بیابند و جواز بگیرند باید بیست فرسخ بیست و پنج فرسخ راه بیابند و جواز بگیرند و چند روز زارع معطل میشود در صورتی هر يك روز این زارع ثروتش است آن روزیکه کار نکند از ثروتش کم میشود یعنی مزد ندارد و زندگانش اختلال پیدا میکنند این است که يك همچو ماده از نقطه نظر حال زارعین که بیابند جواز بگیرند یعنی چند روز بیابند و چند روز برگردند این کاملاً ضرر مادی دارد و بنده معتقدم آقای وزیر مالیه باید این ماده را اصلاح کنند و این سه ماه را بردارند و يك اصل دیگری اختیار شود و آن این است که تحصیل دار در موقع کشت زراعت تریاک گردش کند و همه جا صورت بر دارد و این عملی تر خواهد بود آقای وزیر مالیه فرمودند که مقصود دولت از این لایحه این نیست که در زراعت تریاک تخفیف پیدا شود در صورتیکه مطابق این ماده يك تخفیف فوق العاده

احصائیه داشته باشد که این نظر عملی شود الا يك وقت بگوئیم که سالی فلانقدر کم کنیم اول لازم است که وسیله کار داشته باشیم و این ماده خیلی خوب ماده ایست و خوب است آقا هم موافقت کنند

نایب رئیس - آقای عباس میرزا

عباس میرزا - بنده موافقم.

نایب رئیس - آقای آقاسید یعقوب

آقاسید یعقوب - بنده خیلی میل داشتم در این لایحه متخصصین صحبت کنند آقای حاج امین یکی از اشخاصی هستند که متخصص هستند و آقای مدرس و آقای وزیر مالیه هم از ایشان استشهاد کردند و ایشان در مقابل هیچ چیز نگفتند چرا. حالا هر کدام از ماها صحبت کنیم از روی عدم تخصص است و بنده عرض میکنم که بنده تخصص ندارم . . . . .

بعضی از نمایندگان - چرا تخصص دارید.

وزیر مالیه - ما تخصص شمارا قبول میکنیم

آقاسید یعقوب - خیر بنده همچو اعلم العلماء در هر چیز نیستم خصوصاً در این مسئله. يك مسئله را بنده در روز نامجات می بینم مخصوصاً چند روز نامه است که مسائل اقتصادی را تعقیب میکنند و من خیلی خوشوقتم از روز نامه های خودمان که این مسائل را مینویسند مثلاً روزنامه اطلاعات و کوشش در موضوع واردات و صادرات شرح مفصلي نوشته اند که حقیقتاً هر صبح بعد از نماز صبح و تعقیبات آن باید آنها را بخوانیم و برای سعادت مملکت فکر کنیم. مثلاً نوشته است یکی از اقلام بزرگ صادرات ایران تریاک است. بنده اصل شیرازم و میدانم فسا و دهات اطراف شیراز همه تریاک میکارند و هر کجا که دولت طرف واقع میشود با اینکه ما سعی میکنیم روح صمیمیت مابین ملت و دولت پیدا شود که مردم از مأمورین دولت رمانکنند نمیشود. به فرمایش یکی از نماینده ها که صحبت میکرد میگفت ما که میگوئیم مالیات ارضی موقوف شود برای این است که مردم یا مأمورین دولت طرف نشوند و

مردم راحت باشند و مشغول آبادی بشوند حالا در اینجا اینکه بنده مخالفت میکنم برای این است که یکی از صادرات مهم ما تریاک است که هر چه بگویند من زیر بار نمیروم تقریباً سالی چهار کرور نباشد سالی سی کرور از این راه عاید مملکت میشود. اگر زراعت تریاک نبود پارسال تمام اهالی فسا و داراب از بین رفته بودند زیرا جز تریاک هیچ چیز نداشتند آنرا روانه کردند پول او آمد رفتند طرف بیضا نان خریدند و آوردند و خوردند. هر چه من کاملاً با دولت موافقم ولی هر چه فکر میکنم نمیتوانم با این لایحه موافقت کنم خوب اگر این عابدی از بین رفت شما میتوانید به من وعده بدهید که تا سه سال دیگر يك محصول دیگری جای این را بگیرد که لا اقل بازدهی کرور عابدی داشته باشد ؟ بنده که عقیده ام این است سی کرور چهار کرور نقصان به ابدانمان وارد میشود آیا بجای این ده بازده کرور نفع دیگری میرسد. حالا که در کلیات و در ماده اول هم رأی داده شد خوب است در ماده دوم آقای وزیر مالیه يك تریایی قرار بدهند. بنده هم موافق هستم که کم کم زراعت کم و محدود شود و از آنطرف زراعت زعفران را زیاد کنند موضوع ابریشم را توسعه دهند . . .

مدرس - زعفران چه نتیجه دارد

آقا سید یعقوب - در اطراف اصطهبانات هست اگر تصویب کنند جای این را خواهد گرفت و باید قدم بقدم جلو برویم و این مسئله را از بین ببریم که تا بیست سال سی سال دیگر يك متاع دیگری جای این قرار بدهیم. اینکه آمده اند قرار داده اند که مأمورین جواز بدهند برای زراعت کردن بنده مخالف هستم و عقیده ام این است که خود دولت باید نماینده روانه کند و اطلاع پیدا نماید که امسال چقدر زراعت شد و سال دیگر بگوید پارسال ده جریب زراعت شده امسال باید هشت جریب بشود نه اینکه مأمور مالیه برود آنجا جواز بدهد مثلاً در بروجرد که تریاک کاری می شود مأمورین حق مداخله و جواز دادن نداشته باشند ولی معین کنند



چقدر زراعت شده است و سال بسال کسر کنیم نه آنطور که آقای تقی زاده فرمودند که آنچه جامعه ملل گفته طابق العمل بالعمل باید رفتار کنیم . ما چه غلطی کردیم عضو جامعه ملل شدیم . باید سال بسال خورده خورده سال يك چربب دو چربب کم بشود که در ظرف ده سال پانزده سال از بین برود نه اینکه یکمرتبه از دست بدهیم بنده . این ترتیب که اجازه جواز بدست مامورین باشد جداً مخالفم . خودتان هم که میگوئید ما عقبیده نداریم از بین برود و خودتان میگوئید تا يك چیزی سر جای آنرا نگردد حاضر نیستیم این زراعت از بین برود خوب اگر اینطور است پس ترتیب جواز گرفتن از مامورین را از بین ببرید و کم کم محدود کنید مثلا امسال در ظرف بروچرد هزار من کاشته شده سال دیگر هشتصد من بشود . . .

رفیع - چرا آقای

آقا سید یعقوب - اگر کم کم اینطور بشود و محدود شود عیبی ندارد و الا با این ترتیب که جواز بدست مامورین باشد بدتر میشود

نایب رئیس - آقای زوار

زوار - اظهاریکه نماینده محترم کردند که شخص ندارم باز يك شرح مفصلي اظهار فرمودند ولي بنده میخواهم عرض کنم خدمتشان که خلاص کرد مردم را از زیر بار کاوس شخص لازم ندارد و باید خیلی از دولت ممنون شد که لاجرم نیابورده است که بکلی این کشت و زرع از بین برود . البته همان اندازه که رفیق محترم بنده آقای فرمند یا آقای آقاسید یعقوب علاقمند به این زراعت هستند دولت هم این رعایت را کرده است . بنده هر چه فکر می کنم در این ماده که مینویسد : صاحبان شیره اعم از رعیت و مالک مکلفند . . .

بعضی از نمایندگان - این ماده سوم است .

زوار - ای . اینکه فرمودند مالک یعنی زارع نمیتواند در محل حاضر شود کجا میکنم بکنفر زارع میتواند در ظرف سه ماه هر کجای ایران میخواهد برود اینکه فرمودند

مقصود از دادن این جواز فقط معلوم شدن احصائیه مقدار زراعت ترپاک است

پیشنهاد آقای ملک مدنی - ماده دوم را بطریق ذیل اصلاح و پیشنهاد میجام :

در محل هایکه زراعت ترپاک میشود زارعین و مالکین یا شخصا یا بوسیله نماینده بطور جمعی یا انفرادی باید اظهار نامه برای زرع ترپاک هر قریه و محل در ظرف سه ماه قبل از زرع ترپاک بمالیه محل یا مرکز تحصیل داری بلوک داده شروع زرع ترپاک نمایند .

پیشنهاد آقای دهستانی - بنده پیشنهاد میجام تبصره ماده دوم بقرار ذیل اصلاح شود :

مامورین مالیه محل بهیچوجه حق امتناع و تامل از دادن جواز ندارند و مکلف هستند پس از وصول اظهار نامه در ظرف ۲۴ ساعت جواز صادر کرده باظهار کنند رد نمایند و این جواز مجانی خواهد بود پیشنهاد آقای فیروز آبادی - بنده پیشنهاد حذف ماده دوم را میجام .

رئیس - آقای عراقی

عراقی - ماده دوم آنطوریکه در کمیسیون تنظیم شده بود و آقایان مخالفین و موافقین صحبت کردند بنده دیدم که نظریه آقایان بیشتر روی این قسمت است که اصل تحصیل خود جواز شاید اشکالی داشته باشد و شاید هم موهم يك چیزهایی باشد لهذا بنده برای دفع این اشکال و ابهام و از برای اینکه دولت بداند چقدر ترپاک امسال کاشته میشود و احصائیه در دست داشته باشد از این جهت فقط همین اکتفا کردم که اظهارنامه بدهند ولی دیگر منتظر جواز وزارت مالیه و دولت نباشند و دادن اظهار نامه هم برای این باشد که دولت بداند امسال چقدر ترپاک کاشته میشود و دیگر ابهام هم ندارد که شاید مقصود منع زراعت ترپاک است و همان دادن اظهار نامه کافی باشد ولی تحصیل جوار خیال می کنم قدری اشکال دارد و آقایان هم نظرشان حذف این قسمت جواز است .

وزیر مالیه - عرض کنم که يك قسمت از پیشنهاد آقایان نمایندگان محترم هم شبیه و نظر این است که قسمت جواز نباشد ولی بعقبده بنده خود ماده که اظهار نامه و جواز را فرید کرده است در تبصره هم قید شده است که مامورین مالیه مکلفند که جواز را داده و حق امتناع و تامل از دادن جواز را ندارند . پس خود ماده این پیش بینی را کرده است ولی خوب حالا چون آقایان اغلب شان این نظر را دارند و ما هم مقصودی جز تسهیل و آسایش رعایا نداریم (با اینکه باسقی احصائیه صحیح در دست دولت باشد و با ترتیبی که در ماده نوشته شده این منظور سهل تر پیشرفت میکند) بنا بر این اجازه می خواهم که در این پیشنهادها يك دقتی بکنیم و ماده را ترتیبی که اظار همه آقایان را تأمین کند تنظیم کنیم . در هر حال فعلا ممکن است به پیشنهاد آقای فیروز آبادی که مربوط بخذف است رأی گرفته شود . . .

نایب رئیس - به پیشنهاد حذف که نمیشود رأی گرفت .

وزیر مالیه - بسیار خوب پس ممکن است يك پیشنهاد دیگر با ماده سوم را مطرح فرمائید تا در ضمن بنده این ماده دوم را اصلاح بکنم .

نایب رئیس - ماده سوم قرائت میشود ( این قسم قرائت شد )

ماده ۳ - صاحبان شیره اعم از رعیت و مالک مکلفند کلیه شیره ترپاک های خود را بانبار هایی که وزارت مالیه در دسترس آنها تهیه نموده است تحویل داده و قبض رسید دریافت دارند .

نایب رئیس - آقای فرمند

فرمند - عرض کنم که در این ماده نوشته شده است که محصول شیره را کلیه رعایا مکلفند ببرند بانبار و قبض رسید بگیرند . از آن طرف در ماده بعد نوشته شده است که دولت قیمت متوسطی معین میکند باصدق اهل خیره و شیره را خریداری میکند بنده عقیده دارم که این دو ماده باید یکی بشود چون کاملا بهم مربوط



است والا اگر این دو ماده جدا باشد اینطور میشود یا که اول مطابق ماده سوم جنس را بیاورد همین طوری نحویل بدهند و قبض رسیده بگیرند بعد هر وقت دلشان خواست يك بولی بآنها بدهند این هزار جور زحمت تولید میکند ممکن است قبض کم بشود. با باقسام دیگر حق این زارع از بین برود و نباید برای آسایش حال آنها لا اقل وقتی که نحویل میگیرند پولشان را بدهند و بهتر این است که این دو ماده را برای این منظور یکی بکنند و دولت قبل از موقع برداشت محصول نرخ را معین بکنند که وقتی بزراعت دست آمد و آوردند در انبار فوری پولشان را بدهند و دیگر آنها را منتظر نگذارند - این ترتیب هم رفع اشکال از مردم میکند هم دولت را از محاسبه و نگهداری حساب و هزار جور زحمت دیگر راحت میکند

نایب رئیس - آقای باسائی

باسائی - عرض کنم اظهاری که آقای فرمند فرمودند در ماده سه میگویید: صاحبان شیره اع-م از رعیت و مالک مکلفند کلیه شیره تریاک های خود را بانبار هائیکه وزارت مالیه در دسترس آنها تهیه نموده است نحویل داده قبض رسید دریافت دارند. بعد هم در ماده چهارم میگوید که مؤسسه انحصار چه قسم پول مردم را بدهد و تعیین قیمت بکند خوب بنده نفهمیدم چطور و بچه دلیل که این ماده یکی شود؟ باید دید در همان وقتی که زارع شیره را میدهد آیا ممکن است فوری پول او را داد باید دید این عملی میشود یا خیر دولت که در این کار نظر استقاعی ندارد. نرخ تریاک در هر روز و هر ساعتی تغییر میکند. آنوقت جناب عالی می فرمائید يك ماه دو ماه قبل از بدست آمدن محصول نرخ را معین کنند؟ چطور این کار را میشود کرد؟ نرخ تریاک در مواقع مختلفه در فصول مختلفه در هر ساعت تغییر می کنند و این عمل از نقطه نظر تجارت مملکت ممکن است ضررهای کلی بزند. ولی این ترتیبی که در ماده سوم و چهارم معین شده بهتر است که در هر موقع بازار خوب و مناسبی پیدا شد بفروشد هم بزراع ضرری

وارد نیامده و هم تجارت مملکت رونق خود را از دست نداده بنا بر این بهتر است این مواد از هم جدا باشد و لغزش بیشتر است و ممکن است در بعضی مواقع قیمت فروشش خیلی ترقی بکند و الا نمیشود دولت را مجبور کرد که نرخ را قبلاً معین کند و فوری پول بدهد. بزراع این نه عملی است نه مفید

نایب رئیس - پیشنهاد آقای بامداد

(این قسم فرائت شد)

پیشنهاد میکنم بعد از لفظ (خود را) نوشته شود (پس از دریافت وجه)

بامداد - عرض کنم که بنده نسبت به این لایحه نظر موافقتی ندارم ولی خوب حالا که بنا است تصویب شود خوب است که حسن نیت دولت در همه جا تثبیت شود و مردم امیدوار شوند بلکه انشاء الله آن نظری که ما داریم انجام شود. یعنی از بین رفتن زراعت تریاک (بنده عقیده ام این است که این طور بشود عقیده آزاد است) در اینجا نوشته شده است که صاحبان شیره تریاک مکلفند شیره تریاک را بانبارهایی که دولت در دسترس آنها معین کرده ببرند بنده نوشتم بعد از دریافت وجه البته این مسئله در ماده چهارم تصریح شده ولی خوب چه عیبی دارد که قانون صریح باشد بعد از دریافت وجه بزراعتی که در ماده بعد نوشته شده است پول این بدبخت را بدهند بعد تریاکش را ببرند . . . .

استزادادی - چرا؟

بامداد - بهزار ده دلیل. شما آقا از زراعت تریاک مطلع نیستید زراعت تریاک مثل سایر زراعتها و زراعت گندم و جو نیست آنها در صحرای ترکمن و دشتستان که يك خیش مختصری بزنند و يك نخمی برزند بعد از سه ماه بیابند و نخمی صد نخم بردارند زراعت تریاک مشکل ترین اقسام زراعت است از وقتی که زارع شروع بکند تا وقتی که شیره اش را نوبی دیک میریزد این بدبخت مضطرب و متزلزل است و يك عمرش سر این کار تلف میشود هشت دهمه شیار می کنند. در فسا رسم است پس از هشت دهمه

شیار کردن کد خدا می آید وسط آن اراضی می ایستد چوبش را (يك چوب يك ذرعی) دست میگیرد و آن چوب را نه با قوت بلکه با يك طرز عادی فرو میکند زمین و باید با کمال آسانی فرو برد اگر فرو نرفت میگوید از سر شروع کنند بشیار کردن. اینطور است زراعت تریاک با این بدبختی ها آنوقت نباید نوشت که پس از دریافت وجه نحویل بدهد؟ این چه ضرری دارد. حالا خودتان میدانید

عده از نمایندگان - صحیح است

مخبر - چون آقایان غالباً در این زمینه اظهاراتی فرمودند لازم است خدمتشان عرض کنم که این ترتیب نحویل دادن تریاک بانبار مالیه الان هم معمول است در هر جائی که تریاک هست. این کار هست. شیره تریاک را رعیت یا مالک بعد از آنکه هر کدام سهم خودشان را معین کردند می آورند و نحویل اداره تحویل می دهند و قبض میگیرند و آنجا می ماند تا وقتی که بخواهند بفروشند آنوقت میآیند و می برند این اصلی است که الان معمول است. دولت هم در این جا همین معامله را تعقیب می کنند. این شیره را میآورند و میبرند انبار بعد بموجب ماده که خواهیم رسید اشخاصی که می خواهند ببرند برای مهالك خارجه مختارند بیابند جواز بگیرند و با شرایطی ببرند بخارجه ولی این کار را نمیشود کرد که در روز اول دولت پول شان را بدهد بعد بیابند جواز بخواهند باید اول تریاک را نحویل بدهند بعد دولت بتواند نرخ را تعیین کند و از روی نوع تریاک که چه نمره ایست اول است، دوم است، سوم است، چهارم است، بعد از آنکه معین شد آنوقت پول شان را میدهند ولی تا نرخ معین نشده است نمیشود بانها پول داد یا مثلاً اشخاصیکه بعد میخواهند خود شان تجارت بکنند میگویند تریاک پیش شما باشد و بعد جواز میگیریم که خود مان تجارت کنیم. چطور میشود مجبور کرد که شیره را بگیرد و پول بدهد؟ ما برای این ماده را این جور تنظیم کردیم که اول بانبار نحویل بدهند (مطابق

آنچه که امروز معمول است) بعد خود شان نیاری کنند اگر دولت خودش جا داشت در انبار نیاری می کنند اگر جا نداشت اجازه میگیرند و در انبار شخصی خودشان نیاری می کنند اگرخواستند بدولت بفروشند مطابق ماده بعد قیمت آن دولت معین و پولش را میدهد اگر هم نخواستند جواز میگیرند و خودشان تجارت میکنند . . .

بامداد - نخواستند ندارد باید بفروشند

مخبر - آقای بامداد اجازه بدهید. قسمت راجع بزراعت گندم و جو یا زراعت تریاک که چوب فرو میکنند در زمین این مربوط باین ماده نیست . . . بامداد - مربوط بزحمت است.

مخبر خیلی خوب چوب را در ذرع فرو می کند یا يك چارك بالاخره تریك عمل میآید و تریك که عمل آمد می آورند و می دهند بانبار دلشان خواست میفروشند نخواست نمیفروشند و جواز میگیرند و میبرند بخارجه

وزیر مالیه - اجازه میفرمائید؟ لازم است بنده درین ضمن يك تذکری بدهم که ذکرش لازم است علت عدم موافقت ما با این پیشنهاد این است که این قسمت در ماده چهارم ذکر شده است که نوشته انحصار مکلف است پول را بدهد می نویسد « مؤسسه انحصار مکلف است تریاک های وارده بانبار را از صاحبان آنها در حدود میزان متوسط قیمت های معموله در موقع برداشت محصول سه ساله اخیر قبل از این قانون بعلاوه صدی ده خریداری نمایند. پس عین این مقصود آقایان در ماده چهارم نوشته شده است ولی عدم تکرار آن برای این است که بایستی دو چیز رعایت بشود: یکی اینکه قیمت باید معین شود. چون قیمت اگر معلوم نشود من که نمی توانم از پیش خودم يك قیمتی معلوم کنم و باو بدهم ثانیاً بایستی اداره انحصار با طرف مقابل که می آید آنجا برضایت طرفین يك معاملاتی بکنند يك مرتبه تمام تریاک را در يك روز نمی تواند پول بدهد. آلان هم که تجار می خرند ابا يك دفعه پول میدهند؟ البته خبر يك



مقدارش را میدهند و قسط بندی می کنند .  
مؤسسه انحصار هم همین کار را می کند باستی معامله  
نجاتی بکنند اگر معامله نجاتی نکنند کارش پیش  
نمی رود . ملاحظه فرمائید در این جا ضرر مردم  
میزند برای اینکه جواز صدور را که آنجا گذاشتند  
اگر يك کسی بخواند ترك صادر کند باید طوری  
بکنند که آن کسیکه میخواهد ترك صادر کند بتواند  
با صاحب معامله بکنند و پولش را بدهد پس باید در  
انبار باشد تا وقتی که پولش را بدهد والا مأمور بگوید  
آقا این جواز صدورت بردار و برو این که نمیشود .  
بامداد - يك سال طول می کشد .

وزیر مالیه - يك سال و دو سال ندارد ما که  
دروغ نمی خواهیم مردم بگوئیم مردم را هم نمیخواهیم  
گول زنیم امسال هم مثل سال دیگر است سال دیگر  
هم مثل امسال ما می خواهیم ترك را بخریم پولش را  
هم بدهیم مردم این يك چیز واضحی است ولی این  
را باید ملاحظه کرد که قبلاً نمیشود پول آن را داد  
باید ملاحظه کرد که جنس آن چیست چه نمره است  
البته میدانید که قیمت ترك نسبت بجنس و نوعش  
فرق می کند شما در هر بلوك ممکن است سه چهار  
جور ترك داشته باشید که قیمت متوسطش در  
سه سال قبل فرق بکند . ما اول که ترك وارد  
میشود ممکن است در حدود دوايك قیمت نصف قسمت  
باو پول بدهیم بعد قیمت را معین کنیم و باو پول  
بدهیم و باید ماده را يك جوری تنظیم کرد که اسباب  
اشکال نشود

نایب رئیس - چون عده برای رای کافی نیست  
عجالة پیشنهاد های دیگر قرائت میشود  
( این قسم قرائت شد )

پیشنهاد آقای مدرس

پیشنهاد می کنم بعنوان تبصره ماده سوم علاوه شود  
دولت نمی تواند از برای ماندن ترك در انبار ولو طول  
بکشد حق مطالبه نماید

مدرس - عرض میشود که این لایحه کل واحد  
از مرادش اگر علت نامه نباشد علت ناقصه برای اینکه  
زراعت ترك نباشد هست . لفظ انحصار را که مردم  
شنیدند يك قسمت مردم دیگر نخواهند کاشت جواز گرفتن  
از مالیه و اینها هم معلوم است اسباب ترك زراعت ترك  
خواهد شد در ماده دوم نوشته اند بردن در انبار این  
بردن در انبار هم خودش يك علت از برای نکاشتن و مظنون این است  
این لایحه بعد از آن که انشاء الله گذشت متحدالمدال می  
کنند از طرف جامعه ملل برای مملکت خودشان برای  
اینکه در ممالک خودشان زراعت نشود و این نقشه را  
اجرا کنند . حالا اگر پیشنهاد آقای بامداد پیش رفته  
بود که دولت بخرد محتاج باین پیشنهاد بنده نبود اما چون  
آن پیشنهاد قبول نشد . . .

بامداد - هنوز معلوم نیست رای که نگرند

مدرس - ترك را میبرند انبار مشتری که نیست بخرد  
شش ماه هفت ماه میباید دولت حق الارض میخواهد از  
مطالبه کند مشتری هم غیر از دولت نیست دولت هم  
پول نمیدهد آنوقت این حق الارض را از کجا بیاورد بدهد  
و آنوقت این حق الارض استهلاک میکند اصل موضوع  
را . ما میگوئیم اگر این تركی که رفت بانبار طول  
کشید و مشتری بهش بر نخورد حق مطالبه حق الارض را  
ندارند برای اینکه مردم نمی خواهند ببرند بانبار  
دولت . دولت می خواهد آنها ببرند . دیگر حق  
مطالبه حق الارض را نداشته باشند . فردا می آید  
می گوید کرابه بده الان مرسوم است دیگر - شش ماه  
مانده است پول بده مشتری هم که برای ترك اتفاق  
نیفتاده آنوقت بابت حق الارض حساب می کنند میرود  
بی کارش از این جهت بنده پیشنهاد کردم که حق الارض  
بگیرند .

وزیر مالیه - این مطلب را که آقای مدرس اظهار  
فرمودند برای ما امکان ندارد ولی . . .  
مدرس - قبول کنید .

وزیر مالیه - قبول میکنم و می نویسیم در ماده که

که حق گرفتن انبار داری بهیچ وجه ندارند . این انحصار  
است این عنوان مونوپول است این غیر از ترتیبی میشود  
که حالا هست اینجا وقتی انحصار شد بر عهده ما است  
که نگاهداری کنیم ولی حالا که میل دارند اضافه  
می کنیم که در ضمن ماده نوشته شود : و حقی بعنوان  
انبار داری گرفته نخواهد شد

مدرس - بسیار خوب

نایب رئیس - پیشنهاد آقای احتشامزاده

( این قسم قرائت شد )

پیشنهاد میکنم در ماده ۳ عبارت و قبض رسید  
دریافت دارد حذف و بجای آن نوشته و قیمت آب را  
بطوریکه در ماده بعد معین شده است دریافت دارد .  
احتشامزاده - بنده در عین اینکه با این لایحه موافق هستم ولی  
دوسه فقره نگرانی دارم که برای رفع نگرانی هادرموقع خودش  
نظریاتم را پیشنهاد میکنم یکی از نگرانی هائی که دارم  
اولش زیاد شدن تماس مأمورین دولت است با مردم زیرا  
عمل را ما دیده ایم که هر وقتی مأمورین دولت با مردم  
تماس پیدا کردند باید از همه چیز خودشان صرف نظر کنند  
الان عملی که نسبت بکنند میشود در همین طهران ملاحظه  
فرمائید مکاری جنس می آورد اداره انبار اولاً چهار  
روز پنجروز مکاری بیچاره را که دو سه خروار جنس  
آورده است معطل میکنند برای اینکه جنس مال کجا  
است ؟ چون اخیراً برای اینکه تنظیم کنند امور اداره  
ارزاق را اینطور قرار گذاشته اند که جنس طهران با  
يك قیمت خریداری شود و جنس ولایات با يك قیمت  
دیگر آنوقت سر تشخیص اینکه این جنس ولایات است  
یا طهران مدنی معطلی و گفتگو دارد بالاخره میگویند  
پول نیست و دو ماه و سه ماه معطل میکنند يك آدمی  
که دو سه خروار جنس آورده است بفروشد باید دو ماه  
در طهران بماند تا آخر يك چیزی بهش بدهند که  
برود با عائله اش زندگی کند . بالاخره پس از نگرانی که هست  
بنده نگران هستم که اگر مردم بخوانند تركشان را بیاورند  
در انبار تحویل بدهند اسباب زحمت برای آنها خواهد شد

که چند مرتبه باید مراجعه کنند بانبار تا پولشان داده  
شود این است که بنده خواستم در این جا پیش بینی کنیم  
که وقتی ترك را آورد و داد اداره انحصار پولش را  
بدهند ولی چطور ؟ مطابق ترتیبی که در ماده بعد معین  
شده است . که قبلاً نرخ را اداره مالیه محل معین کند  
بعد در موقع برداشت محصول اداره مالیه محل اعلان میکند  
قیمت را و هرکس ترك را آورد مطابق آن اعلان پول  
تریاکش را بدهند اما اینکه گفته میشود دولت اینقدر پول  
ندارد که فوراً پول ترك را بدهد قسمت عمده این  
تریاك تریا کلهائی است که برای صدور بخارچه خریده میشود  
آن را البته خود آن تاجری که ترك را می آورد تحویل  
بدهد پولش را نمی خواهد می آورد برای اینکه اجازه  
بگیرد و ببرد . بخارچه يك قسمت کمی است که متعلق  
برعایا و زارعین و خورده مالکین است که خیال میکنند  
در داخله فروخته میشود ولی در آن قسمت برای صدور  
بخارچه زیادتر است از این جهت بنده پیشنهاد کردم که  
پول این قسمت را فوری بدهند و در ماده سوم پس از  
عبارت قبض رسید دریافت دارد نوشته شود قیمتش را  
مطابق ترتیبی که در ماده بعد معین میشود بدهند که  
اسباب زحمت مردم نشود .

وزیر مالیه - عرض کنم که این جا هر قسمتی که  
ممکن است تسهیل در این کار بکنند بنده اشکالی ندارم  
مثل قسمت انبار داری که آقا فرمودند و بنده هم موافقت  
کردم ولی این قسمت که آقایان همچو ساده میفرمایند  
این يك مسئله ایست که باین آسانی هم که آقا میفرمایند  
نیست امر ترك يك چیز نازه در این مملکت نیست  
حالا اگر بخوانند معامله ترك بکنند چه جور می  
کنند ؟ ترك را می آورند در انبار دولت بعد از پنج  
روز ده روز بیست روز يك ماه باز همان روز تاجر  
تریاك خر می آید نوی انبار دولت و ترك را از زارع  
نوی انبار می خرد خوب تا آن موقع که می فروشد کی  
باو پول داده است ؟ این جنس که مدتی در انبار  
خوابیده بوده است حالا چطور شده است که در اینجا



پیشنهاد میشود که فوراً وقتی انحصار شد پولش را بدهند و تمام این آداب بهم بخورد؟ شما در این قانون هم خواست با ما موافقت بکنید. اداره انحصار که زبک را میخرد برای مصرف داخله با خارجه پولش را هم البته میدهد بعلاوه شما هم در ماده چهارم نوشته اید که دولت مکلف است پول شیره زبک را بدهد خود این کافی است دیگر مکلف است یعنی چه؟ مگر این قانون با سایر قوانین فرق دارد و جایجا عبارت فرق میکنند که اینقدر آقا نگرانی دارند؟ بالاخره این ترتیب بکلی قانون را بهم خواهد زد. آقایان تصدیق بفرمایند که قانون را اینکه تیکه و خورده خورده اصلاحاتی درش کردن بدون اینکه فرصت مطالعه باقی باشد همیشه وقتی قانون تصویب میشود و می رود بیرون که سه تا عیب درش پیدا میشود. اگر اساس قانون را معتقد نیستید و صحیح نمیدانید یا نویسندگان آنها را مردمان میدانید که سوء نظر دارند بک مطلبی است و الا غالباً بک اصلاح عبارتی که میشود و بعد بک پیشنهاد از طرف دیگری میشود و رأی داده میشود این بک چیزی ازش بیرون میآید که قابل اجرا نیست و نوبی عمل در میانند و بعد باید بیاورند اصلاح یا الغاء کنند. پس خوبست از حالا این کار را نکنند حالا هم استدعا میکنم آقایان موافقت بفرمایند با همین اصلاحی که در آخر ماده شد که حقی بعنوان انبار داری اخذ نخواهد شد ماده را تصویب کنند و بگذرد.

نایب رئیس - پیشنهاد آقای فرمند

(شرح آتی قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم آخر ماده سوم اینطور اصلاح شود نحویل داده و دولت مکلف است قیمت آنرا فوراً بپردازد.

فرمند - بنده اولاً عرض میکنم که مقصود از این پیشنهادات برای ایجاد مانع نیست بلکه برای سهولت کار و الا نظری نداریم و این را خواستم عرض کنم. اینجا دولت وقتی می خواهد معین بکند ممکن است در هر ولایتی آن ترتیبی را که برای تعیین نرخ در ماده چهارم

در همدان بک کپانی تشکیل میدهم. آقای وزیر مالیه باید این را اصلاح کنند. ایشان خیلی عصبانی شدند که اگر این کار را بکنم زلزله می شود و انحصار از بین می رود. در صورتیکه بنده تصور نمیکم این اشکالاتی که آقای وزیر مالیه و آقای مخبر می فرمایند مورد پیدا بکند و هم انطور که برای ما می فرمایند وهم است بنده تصور میکنم برای آقای مخبر و آقای وزیر مالیه وهم تولید شده است این ترتیب ممکن است بک کپانی هائی تشکیل بدهد که باهم متحد شوند و فایده را تماماً آنها ببرند بک عده از ضعفای این مملکت از این استفاده محروم بمانند عقیده ام این است که آقای وزیر مالیه برای رفاهیت حال مردم این پیشنهاد را قبول بفرمایند و اگر چنانچه تصور سوء میکنند در این که پیشنهاد بنده را قبول کنند اقلاً قبول کنند که این ماده دوباره مراجعه شود بکمسیون و در آنجا مطالعه عمیق تر شود و بک طوری این مواد نوشته شود که در آتیه اسباب زحمت و خسارت مردم نشود و الا ما که نظر دیگری نداریم.

وزیر مالیه - این اظهاراتی که نماینده محترم کردند و بک نابو تاریکی را شرح دادند که بعد از گذشتن این قانون پیدا خواهد شد و زارعین چه کار خواهند کرد و از جواز گرفتن چه نتیجه حاصل خواهد شد و وحشت می کنند. یکی از انحصار میترسد و فحش می کنند و یکی دیگر از ترس جواز گرفتن زهره اش آب میشود الی آخر اینها همه بعقبه بنده (هرکس عقیده اش آزاد است) هیچکدام مطابق با واقع نیست بنده عرض کردم خدمت آقایان که برای ما از نقطه نظر اداری چون میل آقایانرا میدانم که میل دارند ما وسیله معامله نجار را در انبارها فراهم بکنیم این رعایتها را باید کرد خود نجار اگر امروز بخواهند معامله بکنند اگر عبارت را این جور اصلاح بکنند معامله نمی کنند و محال میشود و از آنطرف بنده می بینم که این مطلب طوری در اذهان آقایان غمگین پیدا کرده است که شاید حقیقه خیال کنند این جایک نظریه هست در صورتیکه هیچ نظریه نیست و مطلب

خیلی ساده است باین ملاحظه بنده حاضر در ماده چهارم (ماده بعد که مربوط بموافقت در باب قیمت است) بعضی از آقایان پیشنهادی در باب تعیین مدت کرده اند که در چه مدت پولش داده شود آنگاه حرف میزنیم و کم و زیادش میکنیم.....

مدرس - بک ماه باشد

وزیر مالیه - خوب در اصل معین و محدود کردن مدت بنده موافقت میکنم و مساعدت میکنم و این امتناعی را که بنده عرض کردم برای این است که برای تجاری که میخواهند معامله کنند ضرری وارد نشود و الا برای ما از نقطه نظر انحصار اشکالی ندارد بنده راستی راستی می خواهم بک کاری بکنیم که برای تجار وسیله سهلی باشد که بتوانند صادر کنند. حالا خوبست آقای فرمند هم موافقت بفرمایند که این مطلب را در ماده چهارم درش بگنیم چون جایش آنجا است و ماده سوم را بهتر این است همین شکل رأی بدهیم.

فرمند - بنده قبول میکنم که در ماده چهارم این قضیه

تأمین بشود

نایب رئیس - خوب مسترد فرمودند

مدرس - پیشنهاد بنده ضمیمه شد

وزیر مالیه - بلی

نایب رئیس - پیشنهاد آقای بامداد بک مرتبه دیگر

قرائت میشود و رأی میگیریم

(مجدداً قرائت شد)

نایب رئیس - رأی میگیریم به پیشنهاد آقای بامداد

آقایان موافقین قیام فرمایند

(عده بر خاستند)

نایب رئیس - قابل توجه نشد. رأی میگیریم به پیشنهاد

آقای احتشامزاده....

احتشامزاده - با توضیحی که داده شد بنده مسترد

می کنم

نایب رئیس - پیشنهاد آقای کازرونی

کازرونی - بنده اصلاً استرداد میکنم



نایب رئیس - پیشنهاد آقای فیروز آبادی :  
( این قسم قرائت شد )

بنده ماده ۳ را این قسم اصلاح میبایم :  
صاحبان شیره اعم از رعیت و مالک مکلفند کلیه شیره  
ترباک های خود را در هر نقطه که بخواهند نحویل اداره  
مالیه داده و قیمت آنرا دریافت نمایند

فیروز آبادی - در این جا بحسب ظاهر عبارت ماده  
این است که در جائیکه اداره مالیه محل در دسترس آنها قرار  
داده است مثلاً اهل شهریار یا اداره مالیه شهریار و اهل ورامین  
یا اداره مالیه ورامین نحویل بدهند بنده عقیده ام این  
است که اینطور نوشته شود : که در هر جا که میل  
دارند نحویل بدهند این بك نظریه بنده نظریه دیگر این است که  
قیمت آن را فوری باو بدهند چرا ؟ برای اینکه زمانی  
که ترباک در غاب ولایات کاشته میشود پول لازم دارند  
خرج دارد زحمت دارد . بعلاوه برای برداشت زراعت  
بك مخارجی دارند پس هم برای زراعت قبل که باید نحویل  
انبار بدهند و هم برای زراعت بعدی که باید قائم مقام  
آن بشود و در موقع معین کاشته شود مخارج زیادی لازم  
دارند و اگر تماماً نقداً بانها داده نشود اسباب زحمت آنها  
فراهم میشود و زراعتشان معوق می ماند و نمی توانند  
ضبط و رباط زراعتشان را بکنند . در هر حال برای  
رفاهیت آنها بنده این پیشنهاد را کردم که در هر جائی  
بخواهند نحویل بدهند پول شان هم نقداً داده بشود

نایب رئیس - آقای عراقی  
عراقی - نظریه نماینده محترم در باب رعایت حال رعایا  
و زارعین و صاحبان ترباک البته قابل تقدیس است . ولی  
اگر اجازه بفرمایند که بهمان محل ترباک تر بفروشند  
راحت باشند برای اینکه اگر بخواهند از ورامین  
ببرند یا اداره مالیه شهریار اسباب زحمت شایع است  
و راجع به پول شایع هم مطابق این ترتیبی که حالا  
مقرر شد در ماده بعد تعیین نمایند که در ظرف دو ماه  
باشد شما هم همراهی کنید که اینطور باشد دو ماه هم  
اهمیت ندارد ما می خواهیم بك طوری بکنیم که هم

ترباک بفروش برسد و هم پولش را بدهند و هر دو طرف  
هم راحت باشند و قیمتش را هم طوری تعیین بکنند  
که ضرر نخورد بصاحبان ترباک را می آورند یا اداره میدهند  
قبض میکنند بعد از دو ماه می آیند پول را میگیرند  
دیگر بعد از يك سال و شش ماه طول نکشد که بیایند  
این جا و آنجا و بالاخره جزو بدون درستی بشود و بیاید  
بکمپسیون بودجه و آقا سید یعقوب هم در آن جا قبول  
نکنند و بگویند چه وقت این ترباک را نحویل داده اند  
و همینطور . مانند پس بنده تصور میکنم که آقایان هم  
موافقت بفرمایند که این قسمت را در ماده چهارم  
مذاکره کنیم و فعلاً کار این ماده را تمام کنیم و خوب  
است آقای فیروز آبادی پیشنهادشان را مسترد بفرمایند  
نایب رئیس - رأی میگیریم باین پیشنهاد آقایان  
موافقت قیام فرمایند

( دو سه نفر قیام نمودند )

نایب رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای  
استرآبادی .

( بنحو ذیل قرائت شد )

بنده پیشنهاد می کنم در آخر ماده سوم اضافه شود  
مالیه مکلف است منتهی در ظرف یکماه قیمت را  
بپردازد .

معتضد استرآبادی - با اینکه آقای وزیر مالیه فرمودند  
در ماده چهارم اصلاح میشود بنده مسترد میکنم  
وزیر مالیه - بنده بك اصلاحی در ماده سوم کردم  
و ماده سوم را رأی بگیری بعد ماده دوم این جا بعضی  
از آقایان به بنده تذکر دادند که بك چیزی در این جا  
علاوه شود بنده هم قبول کردم که اضافه شود و آن این  
است که نوشته شود : صاحبان شیره اعم از رعیت و مالک  
مکلفند که شیره ترباکهای خود را بانبار هائی که وزارت  
مالیه در دسترس آنها تهیه نموده است وزن نموده نحویل  
داده و قبض رسید دریافت دارد . این وزن نموده  
اضافه شود .

نایب رئیس - ماده سوم با اصلاحی که شده قرائت

میشود و رأی میگیریم :

( این قسم قرائت شد )

صاحبان شیره اعم از رعیت و مالک مکلفند کلیه شیره  
ترباک های خود را بانبار هائی که وزارت مالیه در دسترس  
آنها تهیه نموده است وزن نموده نحویل داده و قبض رسید  
دریافت دارند و هیچگونه حقی بعنوان انبار داری مطالبه  
نخواهد شد .

نایب رئیس - رأی میگیریم باین ماده آقایان موافقت  
قیام فرمایند .

( اکثر برخاستند )

نایب رئیس - تصویب شد . ماده دوم را آقای وزیر  
مالیه اصلاح نموده اند قرائت میشود  
( بشرح آلی قرائت شد )

ماده ۲ - در محلهائی که زراعت ترباک میشود زارعین  
و مالکین مکلفند هر ساله در ظرف سه ماه قبل از شروع  
بکشت و زرع شخصاً و یا بوسیله نماینده ثابت الوکاله بطور  
جمعی یا انفرادی مالیه محل یا مرکز نحویل داری بلوک  
اظهار نامه داده و قبض رسید دریافت دارند و قبل از آن  
شروع بزرع ترباک نمایند .

وزیر مالیه - قبض دیگر ندارد و رسید دریافت دارند  
بنده موافقت کردم با نظر آقایان که جواز از بین برود  
حالا هم استدعا میکنم که با بنده موافقت بکنند که این  
قید آخری بشود یعنی قبل از اخذ رسید شروع بکشت  
ترباک نمایند و قید برای هر دو طرف باشد . و الا ممکن  
است اظهار نامه را ندهد و شروع کند بزرع ترباک  
آنوقت بنده چه بکنم ؟ اصل موضوع از بین میرود پس  
خوبست از طرفی هم او را ملزم کنیم که تا اظهار نداده  
و رسید اخذ نکرده شروع بزرع ترباک نکند . بنده موافقت  
( مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد )

کردم که جواز نباشد آقایان هم قبول کنند که این قید  
آخری برای الزام طرف در ماده ذکر شود تا نقض  
غرض نشود .

نایب رئیس - آقای فیروز آبادی پیشنهادی کرده اند  
( این قسم قرائت شد )

در ماده دوم بنده پیشنهاد میکنم در جائی که بخواهند  
زیاده از يك من تبریز خشکخاص بکارند مکلفند که در زمان  
کشت و یا قبل از آن جواز بگیرند تا آخر ماده  
فیروز آبادی - حالا که جواز از بین رفت بنده  
مسترد میکنم .

نایب رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب :  
( شرح ذیل قرائت شد )

پیشنهاد می کنم اضافه شود : ما مور مالیه مکلف است  
رسید بدهد .

آقا سید یعقوب - آقای وزیر مالیه توجه بفرمائید آن  
شخصی که اظهار نامه را میگیرد مکلف است رسید بدهد  
وزیر مالیه - بنده هم اشکال ندارم و حاضر در این  
مسئله ولی بنده میترسم که اسباب اشکال برای خودمان  
بشود

نایب رئیس - رأی میگیریم ماده دوم با این اصلاح  
گذشته آقایان موافقت قیام فرمایند .  
( اکثر قیام نمودند )

نایب رئیس - تصویب شد

جمعی از نمایندگای - ختم جلسه .

نایب رئیس - مخالفی ندارد !

گفتند - خیر

نایب رئیس - جلسه ختم میشود . جلسه آنبه روز  
سه شنبه دستور هم بقیه امروز

( مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد )